

پیغام امروز

شماره اول دوره جدید سال بیستم تک شماره ۰۱ ریل

پیغام امروز و امروز

پیغام امروز در بیستمین سال انتشار، دوره بی تازه را آغاز می کند، و این جدا زدگر گونی عظیمی است که طی یک حرکت شش ماهه، در مطبوعات ایران پدید آمده است و درست مولود و مبتنی بر انقلابی است که نظام اجتماعی ایران را از بنیاد زیر و زبر ساخته است.

شورای نویسندگان پیغام امروز، معتقد به اصولی است که از آنها هرگز عدول نخواهد کرد:

ایمان به مردم، مردم دوستی و همصدایی با مردم، درس کوب هرستم، و هر نابرابری اجتماعی که مولود طبیعی اختلاف طبقاتی، و مولود وجود استثمار در تمدن، و پایه مبارزه طبقاتی در جامعه ماست.

ایمان به حقوق انسان و درصدا آنها، حق برخورداری انسان از آزادی، در سراسر جهان، صرف نظر از جنس، رنگ، نژاد، موقع جغرافیایی و پیوندهای قومی.

ایمان به مبارزه بی امان، با امپریالیسم و نظام نو استعماری، که در عصر ما قهارترین مهاجم به حقوق ملل و سرسخت ترین دشمن حاکمیت ملتها و آزادی و حریت مردمان بر پهنه زمین است، و تمام عوامل قدیم استعمار و استثمار ملی و بین المللی را، در خدمت خویش دارد، و از آنها به مثابه سلاحها و مصالح دوام و قرار خود در جوامع گوناگون و در جهان بهره برداری می کنند.

ایمان به ضرورت دفاع انضالی و آرامش بین المللی، تا استحاله تدریجی، و نابودی قطره قطره امپریالیسم میسر باشد، و نظام نو استعماری، با تمیبه جنگهای منطقه‌یی و جهانی تا مجال فرار مرحله‌یی از برابری سر نوشت محتوم را نیابد، و نیز در جنگی سیاه، تمدن بر آورده از خون و تلاش هزاران نسل آدمی را بر پهنه زمین همراه خویش به نابودی و زوال نکشاند، و خاکستر نسازد.

ایمان به دانش و آگاهی، همچون امری که حرکت

بقیه در صفحه ۸

گفت و گوی اختصاصی «رالف شانمن» با گزارشگران پیغام امروز:

پیام رادیویی يك ما مورایرانی سیارا به مرکز فرماندهی او در اختیار دارم

تنها ساده لوحان باور می کنند که امریکا به این سادگی ایران را رها میکند

از اسناد روزهای سیاه:

(ماجرایی که هنوز در ایران افشانشده)

جرج براون، بختیار را از جبهه ملی جدا کرد و به شاه پیوند زد

روزنامه نویسی معاصر، پیش از هر زمان، موظف به افشاگری است، افشاگری در محدوده ملی و در وسعت بین المللی، روزنامه نویسانی که این نقش اصل و عمده را فراموش می کنند، به حرفه خود پشت کرده اند، و درخور اعتماد نیستند.

درباره حکومت سرنگون شده دکتر شاپور بختیار، شواهدی بسیار هست، و درباره ریشه های این دولت مستعجل و شکست آریست که حتی مطالب کلیشه شده در مطبوعات خارج، که در میان آنها اسنادی هست، در مطبوعات ما، مورد توجه قرار نگرفته است.

یکی از این جمله، اعتراف «جرج براون» وزیر خارجه انگلیس است که در شماره ۸ ژانویه ۱۹۷۹

روزنامه، «دیلی تلگراف» در ستون ۷ صفحه ۴ چاپ شده است.

خبرنگار دیلی تلگراف از تهران، گزارش داده است که: «لرد جرج براون، وزیر خارجه اسبق بریتانیا، که برای يك اقامت چند روزه به تهران آمده است، دیر ز پیش از بازگشت به بریتانیا گفت برای برقراری حکومت غیر نظامی اخیر (حکومت بختیار) به هم خود کمک کرده است.

وی گفت که در طول چند ماه گذشته با دکتر بختیار نخست وزیر تازه ایران، دوست شده بوده و از آن جمله افرادی بوده که بختیار را وادار کرده است تا پیوند خود را با همکاری در جبهه ملی (جبهه مخالف شاه) پاره کند و

روزنامه، «دیلی تلگراف» در ستون ۷ صفحه ۴ چاپ شده است.

روزنامه، «دیلی تلگراف» در ستون ۷ صفحه ۴ چاپ شده است.

بقیه در صفحه ۸

وظیفه تشکیل دولت را قبول کند لرد جرج براون» گفت که وی از دوستان شاه نیز بوده است. او گفت کمک من به این دلیل کارگر افتاد که اولاً مورد اعتماد طرفین (شاه و بختیار) بودم و ثانیاً زبان صحبت با بختیار و دوستانش را خوب می دانستم و گمان می کنم که در این ماجرا نقش مفیدی را بازی کردم. و از تصور مفید بودن این نقش لذت می برم.»

اوضاع کرد که «دکتر «اوون» (وزیر خارجه انگلیس) از این ملاقات با خبر بوده است ولی تأکید کرد که این کارش به هیچ روی مأموریت دولتی نبوده است. «براون» ارتباط مداوم با شاه را از طریق اردشیر زاهدی حفظ می کرده است.

دیداری از سیاست «چماق بزرگ» امریکا و عواقب آن:

امریکا در خلیج فارس سیاست ماجراجویانه پیش گرفته

واشنگتن باردیکر سیاست چماق بزرگ را در خاور میانه، یا واضح تر بگویم، از خلیج فارس و قلمرو نفتی منطقه آغاز کرد. کارگردان این سیاست، مثل دو سال پیش، آقای «شلزینگر» وزیر دفاع جمهوریخواه امریکاست، که گویا پس از یک دوران سکوت، لازم دیده است «چماق بزرگ» را بالای سر مردم این منطقه نگاه دارد.

بقیه در صفحه ۸

«رالف شانمن» نویسنده، فعال ضد جنگ، دیرکل دادگاه بین المللی جرائم جنگی ایالات متحده در هندوچین و مبارز امریکایی هفته پیش با مصاحبه پرس و صدایی که در ارتباط با مسائل ارتش ایران انجام داد در ایران سرزبا آنها افتاد، اما فضای محدود هفته گذشته چهره واقعی و موضع این نویسنده را، نشان نمی داد.

گزارشگران پیغام امروز، دیر ز در محل اقامت «شانمن» با وی مصاحبه داشتند که می تواند بسیاری از سؤالیهای مردم را جواب دهد، و بنا که به طرح سؤالیهای تازه نیز منجر شود، و بدانکه آنچه می خوانید از حوصله صفحات ما بیشتر است باز به رعایت صفحات کم روزنامه به اختصار مصاحبه توجه داشته ایم



میخواهم سؤال کنم چطور و کی سرهنگ تو کلی را ملاقات کردید؟

ج- بایران جهت ادامه کارم که سالها قبل در امریکا آغاز کرده بودم و آن عبارت بر راز مخالفت باشکند و سرکوب بیرحمانه آزادیخواهان و زندانیان سیاسی ایران بوسیله شاه و عمال وی. در حدود عاشورا وارد ایران شدم و میخواستم بر تاسر ایران بروم و با مشاهدات و مستندات اعمال سرکوبگرانه حکومت نظامی را در امریکا و جهان منعکس کنم.

با آقای «حاج سیدجوادی» نویسنده معروف آشنا شدم و کمیته دفاع از حقوق بشر در

ایران تمهیلات در اختیارم گذاشتند و در مسافرتها یارم کردند. بقیه در صفحه ۲۴

سعودی را، که تنها دلخوشی آن کشور از احساس حاکمیت می توانست باشد، به خود اختصاص دهد. و به این کار نیز توفیق یافت. منطقه، که در هر اسی دلهره انگیز از تدارکهای نظامی امریکا برای تهاجم و استقرار در سرزمین های نفتی بسر می برد، ناگزیر این سلطه جدید امریکا را بر سعودی و منابع نفت آن، نادیده گرفت، و «شلزینگر» نیز سخنی تازه درباره توسعه طلبی ها و بر نامه های تزاری خویش در قلمرو نفتی خاور میانه به زبان نیاورد. اما، حالاکه انقلاب ایران، بنیاد های گوناگون نظام نو استعماری امریکا را در خلیج فارس و آبهای منطقه خاور میانه دچار شکست و فرسودگی ساخته است، باز «شلزینگر» از ضرورت حضور نظامی امریکا در خلیج فارس، و نمایش «چماق بزرگ» در این ناحیه سخن می گوید، و کارتر، رئیس جمهوری و «براون» وزیر دفاع

بقیه در صفحه ۸

گفت و گوی اختصاصی «رالف شانمن» با گزارشگران پیغام امروز

پیام رادیویی یک مأمور ایرانی سیا را به مرکز فرماندهی او در اختیار دارم

بقیه از صفحه ۱

در چنین وضعی بود که با «توکلی» آشنا شدم. دومین بار که او را ملاقات کردم در آپارتمان حاج سید جوادی بود. میخوام تصریح کنم که آپارتمان حاج سید جوادی محلی بود که بسیاری از مردم با آنجا میرفتند و آنجا که نوعی مرکز بود برای گروه سیاسی وی جنبش، بسیاری به آنجا آمدند و نویسندگان مبارز مخالف رژیم شاه و حکومت نظامی به آنجا میآمدند و مسائل سیاسی روز را بحث میکردند.

روزی سرهنگ (توکلی) هم آنجا بود با تفاق افسران دیگری باهمدیگر معرفی شدیم و بمن گفته شد سرهنگ در زندان شاه بود و هوادار نهضت آیت الله خمینی است.

میکرد و با اشاره سر و گهگاهی جمله ای در بحثها شرکت میکرد.

س - نام او؟

ج - اسم او امیر حسین است و نام خانوادگی او را یادداشت کردم باید پیدا کنیم، حتماً دارم، خاطر م نیست باید دفترچه یادداشت را بگردم.

س - آیا سر لشکر قرنی با مدنی راجعاً ملاقات کردید؟

ج - نه قرنی را ملاقات نکردم و قرار بود ملاقات مفصلی با او داشته باشم که احمد صدر حاج سید جوادی از وجود «کاست نوار» مطلع شد و او به توکلی اطلاع داد و پرسید که با شانمن چه صحبت کرده است و چنین و چنان. و آن هنگامی بود؛ جمعه شب که با توکلی صحبت کردم مثل اینکه مدتی زیادی از آن میگذرد. صحبت ما حدود نیمه شب تلفنی بود؛ بنظر می آمد که میخواهد استراحت مختصری بکند. آنگاه تشخیص دادم که لازم است مطالب خود را آشکار سازم و با مردم ایران صحبت کنیم.

س - روز جمعه استعفا داد؟

ج - نه، من اکنون میدانم که روز جمعه استعفا نداد، فکر میکنم در واقع روز مصاحبه مطبوعاتی استعفا داد. راستش وقتی اظهار داشت که میخواهد استراحت کند تردید وشک داشتم؛ فکر کردم میخواهد نقش کوچک در ماجرا داشته باشد، بدین معنا که کار و اقداماتش را در ستاد نظامی ادامه میدهد و فقط میخواهد چنین وانمود سازد که نقش کوچکی در ظاهر بعهده دارد.

س - سرهنگ توکلی شمارا متهم میکند که مأمور «سیا» هستید و نوعی توطئه تدارک دیده اید که عناصر انقلابی را منزوی کنید؟

ج - اولاً باید بگویم که سرهنگ توکلی در «فورت براك» تعلیمات دیده است، آنها که اطلاعات و اساسی تعلیماتی مأموران امنیتی دولت آمریکا است. آمریکاداران مرکز جاسوسان و مأموران اطلاعاتی خود را تعلیم میدهند و سرهنگ توکلی در این مرکز دوره های متعددی دیده است. سرهنگ توکلی خاصه دوره های ضد شورش و ضد اطلاعات، ضد حمله و جنگ روانی را گذرانده است. مقامات آمریکائی با دقت و هشجاری خاصی افسران مربوطه را انتخاب میکنند و از هر نظر در مورد افرادی که تحت تعلیم قرار میگیرند تحقیق مینمایند، تعیین یکی از شرایط پذیرفته شدن گذشته ازبده های تحقیقاتی مورد نظر مقامات آمریکائی است و معمولاً افسرانی که وفاداری علاقه خود را به سیستم مورد نظر نایت نکنند نمیتوانند از اضافی های کنترل و سابقه امنیتی عبور نمایند.

دومین مطلب باید اضافه کنم که گفته های توکلی خود زبان



دارند و صراحت دارند و در نوار ضبط شده و بارها تکرار میکنند که اگر غرب و امریکائیان در ایران حضور نداشتند اوالتماس میکرد با ایران بیایند. کلمات از اوست: «بدون حضور آمریکا و غرب موجودیت ما در معرض خطر قرار میگردد» او کاملاً روشن و صریح صحبت میکند در باره تفکر ارتباطی با آمریکا، اما در مورد نقش من، بیست سال است که فعال، در تمام مدت با امپریالیسم آمریکا مبارزه کردم. چند بار هم زندانی شدم.

زندانیهای مختلف

س - کجا؟ در آمریکا؟

ج - نه در بسیاری از کشورها، جاهائی که فعال بودم، مثلاً در بریتانیا، با بنیاد برتراند رابرتس کار میکردم و دبیر کل دادگاه بین المللی رسیدگی جنایات جنگ آمریکا در هند و چین بودم. این دادگاه نقش مهمی در مبارزه علیه جنایات جنگی امپریالیسم را در هند و چین باسند و شاهد در سطح بین المللی نشان دهم و افکار عمومی را بر علیه امپریالیسم تجهیز نمائیم. آمریکا در جنگ از وجود انواع سلاحهای مخرب، میکربی برای کشتار استفاده میکرد و ما آنها را در سطح جهانی مطرح کردیم - اولین بار در تاریخ امپریالیسم از گازهای سمی استفاده میکرد که فقط مردمک چشم را منبج میگرد و دهها سلاح کشتار جمعی دیگر. جلسات دادگاه در استکهلم و کپنهاگ، توکیو، پاریس و نیویورک تشکیل شد. بدون تردید در بیداری و تجهیز افکار عمومی در آمریکا و جهان بر علیه جنایات امپریالیسم آمریکا تأثیر گذاشت. من مورد هدف چندین توطئه و حملات بودم. مطبوعات آمریکا بمن البته تنها من نه، بل بسیاری از هم - در زمان دیگر و تشکیل دهندگان دادگاه از جمله ژان پل سارتر و دیگران، سالها تاخندند. چندین بار مورد حمله قرار گرفتم. اما هرگز، هرگز، هیچ سیماتی به - امپریالیسم آمریکا نداشته و طبیعت فعالیتیم خلاف این را ثابت میکند. س - بعد از مصاحبه مطبوعاتی چه عکس العملی دیدید؟ از طرف

امپریالیسم امریکایی بود، کارت اول بازی کودتا بود که در مورد آن اقداماتی انجام دادند و فکر میکنم هنوز هم ادامه دارد. کارت دیگر رفرمیسم انحراف گرانه ای بود که در وجود بختیار خلاصه میشد. هدف آرام کردن مردم از طریق دادن یک سلسله امتیازات و بر آورده نمودن برخی از خواستهای عاجل جامعه بود که بوسیله آن میتواند رژیم شاهنشاهی را دست نخورده با تمام خصوصیات سرکوبگرانه و ظالمانه اش حفظ نمایند. بخاطر بیابریده حرفهای بختیار را کمی گفت، هر چه شما میخواستید انجام دادم، ما هنوز بر داشته ام، زندانیان سیاسی را آزاد کردم، حکومت نظامی را هم لغو خواهم کرد و وو. دیگر چه نمیخواهید؟ لزومی بر ادامه اعتصابات و تظاهرات نماند. بختیار گفت: بختیار بختیار است. بختیار بختیار است. بختیار بختیار است. بختیار بختیار است.

مقامات یا گروهی؟

ج - بعد از مصاحبه مطبوعاتی اسنادی را در اختیار مردم ایران قرار دادم، اطلاعات و کیهان و آیندگان مطالب مصاحبه را چاپ کردند. از فعالین نهضت عکس - العمل شگرف و دوستانه ای نسبت بمن ابراز شد، از طرف افرادی که از مجاهدین، فدائیان هوداری میکنند، افرادی که در فعالیت انقلابی نقش داشتند بسیار علاقه مند بودند که علل انتصابات افسران و ژنرالهای قدیم را در پستهای حساس نظامی بدانند. متأسفانه روش و اظهارات برخی از مقامات دولتی آشکارا ارتجاعی بود. مثلاً اظهارات ژنرال قرنی که مشاوران و مستشاران نظامی آمریکا مجدداً با ایران آورده خواهند شد، این مطالب که حدود ده روز بعد از شورش انقلابی اظهار شد بسیاری از مردم را نگران کرد. احساسات بسیار دوستانه از طرف مردم، گروه ها، ابراز شده است. بسیاری بمن مراجعه کرده و مدارک و جزئیاتی از نقش آنها توکلی بلکه بسیاری افسران فعال فعلی دیگر در اختیارم قرار داده اند که همگی نشان دهنده اهمیت خطر و انجام توطئه است.

ژنرال هوپز و ایران

ج - خوب میدانید که ژنرال هوپز اینجا بود، هوپز برای چی با ایران آمد و چه کارهایی انجام داد؟

س - آمریکا دست به اقدامی زد تا رژیم شاه را نجات دهد و هوپز این فرستاده شده - البته تنها نبود و گروه صد و پنجاه نفری مأموران سیا او را همراهی می - کردند تا ایران را از دیدگاه متخصصان باشتاب مورد مطالعه قرار دهند و راهی برای نجات پیدا کنند. فکر میکنم بلافاصله بعد از کشتار «جمعه سیاه» با ایران آمدند و گروهی از آنها در همین هتل اینتر کننتیننتال بودند و وظیفه اصلی آنها جستن راهی برای نجات شاه و ثبات بخشیدن به دولت نظامی بود تا بدان وسیله منافع امپریالیسم در ایران کماکان تامین شود.

همانطور که قبلاً هم مطرح کردم آنها روی سناریوئی کار میکردند که آیا کودتا می تواند آرامش قبل را برگرداند، چه نیروهائی باید از کودتا پشتیبانی کنند - بالآخره تدارک کامل کودتا و سازمان دادن به عملیات بعدی، و اینکه چه اقداماتی برای سرکوب مخالفین، نهضت و انقلاب باید انجام داد. ملاحظاتی بسیاری را مورد توجه قرار دادند، بازداشت و کشتار رهبران اپوزیسیون انحراف جنبش انقلابی از سیر اصلی، سازمان دهی به نیروهای طرفدار غرب و شاه، اینها بخشی از محاسبات و مسائلی است که امپریالیسم در دخالتهای خود در امور دیگران مورد نظر داشته است. مأموریت هوپز و گروه وی در واقع مطالعه و جمع بندی اوضاع و طرح برنامه های برای تامین منافع آمریکا در ایران بود.

هم زمان آشکار شد که منظر فرصت و زمان مناسب بودند، کوشیدند تا بروی کار آوردن بختیار وقت لازم را بدست آورند. هوپز و هم کارانش با بختیار میخواستند نهضت را از تحریک باز دارند و بالاخره مانع رشد انقلابی آن شدند در ابتدا کمی تردید نشان دادند، بختیار را روی کار آوردند اما شاه را برکنار نکردند اگر درست بخاطر داشته باشید باز اندازه کافی امکان در اختیار بختیار قرار ندادند تا برایش کسب حیثیتی بشود و وجهی بدست آورد. کمی وقت بسیاری از اقداماتشان را خنثی کرد، می ترسیدند اگر شاه را ناگهان برکنار کنند نتوانند در داخل ارتش و ما بین ژنرالها آن هماهنگی را حفظ کنند و کنترل اوضاع از دستشان خارج شود. شاه برایشان مظهر هماهنگی ارتش بود و ژنرالها فاقد هرگونه ایدئولوژی بودند، تا با هم دیگر کنار بیایند فکر میکنم مأموریت هوپز و بازی کارت دو گانه

فاجعه شیلی قتل آینده

بقلم روبنس روخاس سنفرد

مقدمه



این کتاب مهم می‌کند. کتاب که همانند یک گزارش پلیسی نوشته شده است حوادث شیلی و فاجعه قتل و کشتار را بیان می‌کنند و گزارشی است دقیق از قتل یک فرد بخصوص و هزاران مرد و زن که در راه آرمانهای خود جان باختند و نیز شامل و تانک‌های او را در برآرمانهای هزاران شهید یا نام وی نام. اینجا پرده‌ها از قتل سرار آمیز دکتر سالوادور آلنده گوسترز رئیس جمهوری وقت شیلی کنار زده می‌شود و بازنگران اصلی این تراژدی غم‌انگیز: انبوه قاتلان، عادات و آیدولوژی آنان، قراردادهای و نقشه‌ها و توطئه‌هایشان یکجا نشان داده می‌شوند.

این کتاب تحلیل حوادث شیلی نیست. بل کتابی است که می‌خواهد بگوید چه پرس شیلی آمد و حادثه چگونه روی داد. از آنجائیکه من در متن حوادث بودم و دیدگاهی چپ‌داشتم و سالیان دراز در مطبوعات شیلی قلم زده‌ام و شخصاً در حوادث ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ شیلی دست‌داشته‌ام چهره‌ای دیگر از آلنده ترسیم می‌کنم که سخت از چهره رسمی او متمایز است که بدست تمیز به خوانان در مراسم سوگواری وی و تندیس سازان و پوسر پر دازان علم شده است. آلنده، در اینجا نقاب از چهره بر می‌گردد و برای ما پس دورتر از آنست که بگوئیم «اوه چه کرد بدون ایراد بود و به هر کاری دست‌زد آن را تا پایان بطور کامل به سرانجام رسانیده».

اینجا دکتر آلنده چهره‌ای دارد انسانی، دارای شدت و ضعف. او تمام توش و توان خود را برای دفاع از راه «سوسیالیسم شیلی» بکار برد از آن دفاع کرد ولی همین قهرمان دچار اشتباهات و پندارهائی شده که راه و جاده را برای نیروهای فاشیستی دست‌آموز آمریکا باز نمود و یکبار دیگر امریالیسم آمریکا انقلاب شیلی را در نیمه راه سرکوب کرد.

این بدان معنا نیست که بگوئیم سالوادور آلنده یک قهرمان واقعی نبود. در قهرمانی او کوچکترین تردیدی وجود ندارد. در شیلی کسی پیدا نخواهد شد که نداند آلنده تا آخرین نفس و قطره خون از شرافت و آرمانش دفاع کرد. او یقین داشت که اگر تسلیم می‌شد می‌توانست زنده بماند اما مبارزه و شهادت را ترجیح داد. قهرمانان مرگ قهرمانان دارند و آلنده هم آن چنان راه قهرمانان را برگزید. این چنین بود مرگ هزاران مبارز شیلی که میدانستند در زیر رگبار آتش مسلسل و بمب و تانک کشته خواهند شد اما برای مردن، راه قهرمانان را برگزیدند. آلنده یکبار گفته بود: «بگذار بداند، بگذار خیلی روشن و صریح بشنوند و بفهمند؛ من از انقلاب شیلی و دولت توده‌ای دفاع خواهم کرد. مردم این فرمان را بمن داده‌اند و من چاره دیگری ندارم. تنها با کشتن من آنان می‌توانند از گسترش برنامه‌های توده‌ای دولت جلوگیری کنند».

بدین گونه آلنده را با گلوله از پای در آوردند.

چند ساعت قبل از حمله یاغیان خطاب به هم میهنانش اعلام داشت: «بدین گونه اولین صفحه این داستان نوشته شد. مردم من و خلقهای آمریکا (لاتین) دیگر صفحات را خواهند نوشت» این چهره مردی است که شما در این کتاب او را خواهید دید. شما خواهید دید که چگونه مردم عادی، مردم کوچی، خیابان، قربانیان بیشمار کودتا، اجازه نیافتند برای دفاع از خود سازمان و تشکیلات داشته باشند. جان کلام این است اگرچه این کتاب مشت گریه‌های جانی و نوکر قاتل آلنده، زنی‌های چندستاره و فرماندهان سانتیاگو، شیلی، واشنگتن را باز می‌کند همزمان پرده از اعمال رهبرانی به یکسو می‌زند که هنگام وقوع حادثه مردم خود را تنها و بی‌دفاع گذاشتند تا بدست سلاخان فاشیست کارگزار امریالیسم دسته‌دهسته کشته شوند.

هنگامیکه این کتاب نوشته میشد در بندهای ۵۰۳ زندان عمومی سانتیاگو هفتصد نفر زندانی از نظامیان، درجه داران، افسران، و سر بازان نیروهای مسلح بسر می‌بردند و این گروه زیر بار فرمانهای زنی‌های کودتاگر نرفته و بدولت قانونی وفادار مانده بودند رقم هفتصد از مجموع صد هزار نظامی خود گواه زنده‌ای است بر سیاست «خودکشانه» آلنده که مانع آن بود که کارگران تشکیلات و ویژه خود را برای دفاع از حکومت قانونی بوجود آورند.

مردم شیلی قیمت بسیار گرانی برای اشتباهات سیاستمداران پرداختند پانزده هزار کشته سی هزار زندانی، صدهزار شکنجه دیده و محرومیت کشیده و دوست هزار تن که بدلائل سیاسی کار و حرفه و حتی مسکن خود را از دست دادند. بیش از سی هزار دانشجو از دانشگاهها بوسیله عوامل کودتا اخراج شدند، کارلوس آلنایرانو دبیر کل حزب سوسیالیست شیلی در تاریخ ۱۴ آذرماه ۱۹۷۴ در هواوانا فاجعه شیلی را بطور اجمال چنین بیان کرد:

«فقر فوقانی بورژوازی و امریالیسم، دموکراسی بورژوازی را غرق بخون کردند آلنده و دولت متحد توده‌ای طرح «سوسیالیسم شیلی» را با رعایت اصول دموکراسی و جریان رشد و تحولات عام و با توجه به موازین قانون اساسی پی‌ریزی کرده بودند. این طرح و برداشت از طریق نظامی در ۱۱ سپتامبر واژگون گردید. «بورژوازی مسالمت‌جو و دموکرات شیلی» به قهر ضد انقلابی برای متوقف نمودن جریان رشد و انتقال بنیادی جامعه دست‌زد. با این عمل به تمام قول و قرارهاو تعهدات قبلی خود پشت‌پازد. بورژوازی شیلی مدام از ایمان خلل ناپذیر خود به ارزشها و معنویات حیات مسیحی، دولت دموکراتیک و آزادیهای فردی و حکومت قانون و نظم همزد و به یکباره همه را فراموش کرد».

نظامیان شیلی با یکبارستن ترور و شیوه - کشتار بی‌پایان منافع مجتمعات مالی امریکای شمالی (آناکندا، کنه کوت، آی تی تی و...) را همپای ملاحظاتی استراتژیک نظامی صنعتی حفظ کردند. آنان کوشیدند تا بهانه‌های سنگینی از قبیل توطئه طبقات کارگر برای قبضه کردن تمام قدرت بتراشند. طرح و نقشه «زنا» یکی از علل کودتا بیان گردید. طرح «زنا» آنقدر ناشاینه و با تمجیل مطرح شد که حتی کارگردان اصلی «خونناز نرال پینوشه» در مصاحبه مطبوعاتی ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۳ با تردید و شک و ناراحتی ابراز کرد: «بسیار محتمل است که در واقع کودتای خود بخودی یک مسئله ساختگی باشد این روزها شایعات زیادی رواج دارد. تمداد زیادی دست‌اندرکارند تا در بین مردم تردید و ناراضی بوجود آورند».

(لاترسرا، ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۳)

در همان روز زنی «اوسکار بونیا» وزیر کشور اظهار داشت: «ما سر بازان مجبور بودیم عمل کنیم... یا آنها یا ما... ما قیام کردیم تا مانع اجرای طرح «زنا» شویم».

هنگامیکه طرح زنا رسماً از طرف مقامات کودتا «بر ملا» شد با نهایت تمجیب مردم شیلی در مطبوعات کودتا خوانند که طبقه کارگر شیلی «صد هزار مرد مسلح» برای سرنگونی رژیم مجهز نموده و به «قرارگاههای نظامی نفوذ کرده» و قصد «کودتا» دارد و البته این طرح قرار بود در ۱۹ سپتامبر اجرا شود.

در تاریخ ۱۱ سپتامبر ثابت شد که چنان تدارکی وجود نداشت و بسیار روشن تر نیروهای کارگری ضعیف و پراکنده و بدون تشکیلات بودند و «نفوذ» در قرارگاههای نظامی در حد کمتر از یک درصد بود.

طرحی بنام زنا وجود نداشت. تنها طرحی که وجود داشت طرح آزمایش شده و گستاخ بود که وسیله زنی‌های یاغی و پنتاگون امریکا برای کشتن و از بین بردن نا جوان مردانه آلنده زنی‌های عضو دولت وی تهیه شده بود. طرح فاجعه چنان بود که خونین ترین توطئه را حتی بیشتر از اشتغال اروپا بدست نازیها تدارک دید. در این کتاب به جزئیات این طرح و توطئه را خواهید دید.

رابینسون روخاس سنفرد

خلق متشکل و آگاه و منضبط همپا با نیروهای مسلح وفادار به آرمان می‌توانند ادوات خلق و برنامه های آینده آن دفاع نمایند.

آلنده - اول مه ۱۹۷۱

و آنان که قدرت را بدست گرفتند می‌توانند ما را خرد نمایند. اما اجتماعی را نمیتوان با جنایت و اعمال قدرت متوقف ساخت. تمار آن ماست و مردم آن را خواهند ساخت.

آلنده ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ ساعت ۹:۱۵ در کاخ ریاست جمهوری پس از شنیدن صدای شلیک گلوله ها.

شش یا هفت دقیقه بعد از ظهر روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ گروه مهاجم بنام مندی روبرتو گاریدو شلیک کنان وارد طبقه دوم کاخ ریاست جمهوری شیلی لاموندا شد. گروه شلیک مداوم، سالن پذیرائی دولتی را اشغال کردند. در پیرن کاخ آتشبارهای نظامیان بزم آتش گرفته بود و دود اذمه جا برمیخاست گروه متوجه شد که تعدادی در لباس شلیک مسلح موضع گرفته را نخود دفاع میکنند. سروان گاریدو آنان را بگلوله بست و یکی از تن وی به شکم یکی از مدافعان اصابت کرد و او را انداخت، سربازی در گروه گاریدو و عمل تولید کرد و گلوله دیگری به پشت زخمی نشاند. زخمی با فریادی نقش بر زمین شد تا گاریدو متوجه گردید که چه کسی را به گلوله بسته است. فریاد زد «سالوادور آلنده، جمهور را کشتاد زدیم».

شلیک از بناهگاه آلنده ادامه یافت و گروه گاریدو را از سالن پذیرائی روخا به عقب نشینی کرد. مدافعان بالای جسد آمدند و یکی از آنان، روانشناس معروف دکتر پاریس، پزشک مخصوص آلنده روی جسد خم شد تا بداند می‌شود کاری کرد، آلنده با اصابت تیر در شکم و لگن و پشت، بر زمین افتاده بود. دکتر نبض آلنده را گرفت اما کار گذشت یکی با پرچم شیلی جلو آمد و جسد را با آن پوشاند. تیرد نا بر این و سخت داشت و گروه دکتران ریک پاریس از سالن ویران پذیرائی دولتی روخا - که بر اثر اصابت تانک سوراخ شده و میسوخت خارج شدند - گروه در تفرات چهار و پنج نفری بچنگ دادند اما غیر از چند نفر از مرک آلنده بی اطلاع بودند کمتر از نیم ساعت مدافعین کاخ پاد کشته بدست گروههای تازه نقش که از هتک تا سنا رسیده بودند مغلوب از چهل و دو نفر سی و دو نفر زخمی و اسیر شدند، گروه چهل و دو نفری پنج ساعت در برابر هجوم نظامیان مقاومت و از کاخ ریاست جمهوری دفاع کردند.

فرمانده حمله زنیال پالاسیو روخا با اتفاق سروان گاریدو به سالن روخا رفتند و جسد آلنده خم شدند و پرچم خون آلود شیلی را از روی جسد برداشتند. زنیال خطاب گاریدو گفت: «باید از این اطاق کاملاً حفاظت شود. کسی را داخل اطاق راه ندهید، هیچ کس جسد رئیس جمهور را به بندد. زودتر دفتر زنیال پینوچه را برای من بگیری. باید شخم زنیال صحبت کنم».

«توجه، توجه، یست شماره یک، واحد آلفا، زنیال روخا می‌خواهد با زنیال پینوچه صحبت کند.»

زنیال میکرفن بیسیم را بدست گرفت و با صدای خشک اما دقیق گزارش داد: «از زنیال روخا به زنیال پینوچه مأموریت انجام شد، کاخ گرفته شد. رئیس جمهور بقتل رسید.» فرمانده ستادکل سؤال کرد: «جسد در چه حال است؟ از بین رفته است. نگذارید ببیند، منتظر دستورهای بعدی باشید.»

در حدود چند دقیقه قبل از سه بعد از ظهر ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ بود. از ساعت ۶ فرماندهی کل نیروهای مسلح شیلی بیش از صد هزار نظامی را برای از بین بردن مر اقتصاد، سیاسی، و اجتماعی کشور بسیج کرده بود. بیش از صد هزار نفر از رهبران کارگر کشاورزی، کرمندان دولت و احزاب سیاسی در همان روز بقتل رسیدند. در فاصله ۱۱ تا ۱۵ سپتامبر ۵۵۰۰ نفر دیگر از مردم و سر بازان ضد کودتا کشته شدند، بعدها فاش شد که تعداد ۰۰ نفر دیگر در فاصله ۱۲ تا ۳۰ سپتامبر بر تعداد کشته شدگان افزوده شدند.

در هیجده روز اول کودتا در حدود پانزده هزار نفر بدست نظامیان در خیابان و مین کارخانه و دانشگاه بقتل رسیدند از این گروه حدود شش هزار نفر در سانتیاگو کشته شدند: هشتصد نفر در روز یازدهم و ۲۹۰۰ نفر در روزهای بعد در مبارزات و مقاومت های خیابان و ۲۲۰۰ نفر بعد از بازداشت در بازداشتگاه ها بقتل رسیدند.

رقم دلخراش کشته‌ها در مرحله دوم کودتا پمرا تب بیش از مرحله وقوع آن بود. بعد کودتا تعدادی از نظامیان قصد مقاومت می‌کنند و بخشی از سانتیاگو راهم بدست می‌گیرند و بخش کارگری و صنعتی شهر مقاومت میکنند ما بین ۸ تا ۹ صبح روز یازدهم واحدهای نظامی بازدار برداخته و به از یک بازجویی مختصر زندانیان را بقتل رساندند. عملیات بنام «پاک‌سازی هوا» های ماشین مارکسیسم، نامیده شده بود. زندانیان از رهبران شهری، اتحادیه‌ها، تاسیسات کشاورزی احزاب سیاسی و سازمانهای فرهنگی دست‌چین بودند. اسامی زندانیان از نوامبر ۱۹۷۲ تهیه و با مشخصات کامل بدست مأمورین اجرا داده شده بود. سازمانهای امنیتی ارتش، نیروی دری و نیروی هوایی در تهیه لیست زندانیان همکاری همه جانبه داشتند. نظامیان شیلی روابط گسترده با بخش اطلاعات منطقه کانال فرماندهی جنوبی ارتش ایالات متحده از طریق اعضای سفارت برز در سانتیاگو داشتند.

زنیالها در ابتدا تصور می‌کردند که عملیات در همان بعد از ظهر یازدهم خاتمه خواهد یافت اما مقاومت گسترده مردم در مناطق کارگری و صنعتی باعث تمجب آنها شد. درحد ظهر دوازدهم سپتامبر شورش و مقاومت کارگران شکست خورد و بلافاصله کشتار خانه به خانه تمام کارگری آغاز گردید.

بعد از شکستن مقاومت کارگران بود که زنیالها مضمم شدند پایان مرحله اول عملیات را اعلام کنند و قتل سالوادور آلنده را به عنوان «خودکشی» قلمداد نمایند.

در مرحله اول عملیات آلفا قرار بود کاخ لوموندا اشغال شود و رئیس جمهور را اسیر کنند وقت لازم برای عملیات ۱۲۰ دقیقه پس از شروع عملیات (۹ صبح ۱۱ سپتامبر) تعیین شده بود کودتاچیان یاغی تصور نمی‌کردند که مقاومتی از طرف ساکنان غیر نظامی کاخ نشان آده شود. آنها انتظار داشتند که آلنده موضع گیری زده پوشها، تانکها و مسلسل‌های سنگین را دیده و تسل خواهد شد.

تصور میشد که آلنده در هتک دوم زندانی می‌شود و از آنجا که طاقت تحقیق و توهین ندارد همین که گارد محافظ هم وی را تنها بگذارد، قطناً دست بخودکشی خواهد زد. قرار بود خبر «خودکشی» در ساعت یک بعد از ظهر اعلام شود. ادامه دارد

گزارش روز:

دیوارهای شهرها را اعلامیه‌ها، خبر نامه‌ها، تراکتها و... پوشانده‌اند به هرکجا که بنگری دست نوشته‌ای پیامی را بازگو می‌کنند.

تحولات اجتماعی پیوند محکمی با این شیوه پیام رسانی دارند. به هنگام نوپائی جنبشها، مبارزین این پیامها را مخفیانه بر سر معابر و انکسار در نواخته‌های عمومی می‌نویسند و به هنگام اوجگیری، آنگاه که انبوه مردم صفوف انقلاب را متراکم تر می‌کند، همچون مبین مان، دیوارها پر می‌شود و معابر نیز. پیامهای دیواری بطور عمده خصلت سیاسی دارد و در همین رابطه معمولاً متعلق به اپوزیسیون است. به هنگام تحولات سیاسی و اجتماعی روشن است که روزنامه‌های دیواری به تمبیت از این تحولات گسترش مییابند.

روزنامه‌های دیواری به - خلاف روزنامه‌های معمولی رسمی نیستند و بنظری محدودیت خود غالباً بیانگر یک پیام خاص می‌باشند. هنگامی که روزنامه‌های کثیرالانتشار دچار محدودیتهای کمی و کیفی باشند، گروههای مردم بیشتر به روزنامه‌های دیواری پناه می‌برند.

افشاگری، تبلیغ مشی سیاسی

روز نامه‌های دیواری غالباً حرف خود را کوتاه و فشرده بیان میکنند؛ واقعه‌ای را افشا می‌کنند و یا یک مشی سیاسی را تبلیغ مینمایند. و این هر دو امکان گنجینیدن در روزنامه‌های رسمی را ندارد. به چند دلیل: اول - به هنگام اوج گیری جنبشهای مردمی، افشار بسیاری از مردم درگیر مسائل سیاسی می‌شوند و در مقابل آنها عکس‌العمل نشان می‌دهند و اظهار نظر می‌نمایند و باعث بروز اظهار نظرهای متفاوت و متضادی در سطح بسیاری از جامعه می‌شود. محدودیت تعداد روزنامه‌های رسمی نمی‌تواند جوابگوی مردم باشد.

دوم - در بسیاری از موارد به دلیل سرعت تحولات جامعه لازم است که پیامها به سرعت بازگو شود؛ «فردا صبح، ۵ صبح، مهر آباد»

این شمار به فاصله چند ساعت می‌باید انبوه طرفداران امام خمینی را در برگیرد و روشن است که نمی‌تواند منتظر روزنامه‌های رسمی باشد. در نتیجه دیوارها پر می‌شود و معابر لب به سخن می‌گشایند؛ «فردا صبح... ضد انقلاب، دست به چند حرکت نمایشی میهم می‌زند. شاخکهای خلق پیام رامی‌گیرد و کوچه‌ها را آذین می‌بندد، «مردم، هشیار باشید... با کودتا مقابله کنید!! سوم - انکسار خواستهای مردم مشروطه درج آزادی روزنامه‌های رسمی است.

اما روزنامه‌های دیواری هیچ‌گونه محدودیتی برای خود ندارند و به این جهت چارچوب گسترده‌تری نسبت به مطبوعات رسمی دارند.

در ایران آنچه متعلق به خلق است و بیانگر بلاواسطه حرفهای او، از حد شمارها و پیامهای چندجمله‌ای تجاوز نمی‌کند. اعلامیه‌های توضیحی، رهنمود

دیوارها، زبان انقلاب

□ اعلامیه‌ها حلقوم آزادی شده‌اند

□ باید در تمام مؤسسات، محل‌های مخصوص برای نصب اعلامیه و یاد داشت تعیین شود تا امکان برخورد عقاید به بهترین وجهی برقرار شود:

بیرون می‌کشد و به میان مردم می‌پراکند...

در جنبش یکساله اخیر ایران بواسطه اینکه قشرهای بسیار وسیعی در آن شرکت داشتند و علیرغم منافع و موقعیتهای طبقاتی گوناگون در شعارهای «مرگ بر شاه، درود بر خمینی» به وحدت رسیده بودند، پیامهای دیواری نیز به این یا آن شکل بیانگر همین شعارها بودند. اما با پایان یافتن این مرحله و فراهم آمدن محیطی دمکراتیک عقاید و افکار خواه ناخواه بایکدیگر بیشتر و بیشتر برخورد خواهند کرد. کما اینکه در محدوده دانشگاه بحث بر سر دولت بازوگان قضا است که گویا پایانش بزودی فراتر خواهد رسید.

اما بحث در مورد اعلامیه‌ها وقتی به اوج می‌رسد که یک نفر قصد داشت آنرا پاره کند و یا پاره می‌کرد. موافقان شروع می‌کردند به توضیح محتوی اعلامیه و مخالفتان می‌گفتند که نباید این چیزها نوشته شود... ودعوی اینکه این جور دموکراسی است... و دیکتاتور

و در شکل عمده تعلق به گروههای کوچک و بزرگ سیاسی دارد. اما شعارها و پیامهای چند جمله‌ای هم، و ما در جهت تأیید یا رد مشی فلان گروه و سازمان است. دیوارهای شهرها شاهد می‌گیریم که توده‌های مردم هنوز از حلقوم گروههای سیاسی که ارتباط فعالی با آنها ندارند سخن می‌گویند. اما فوراً باید گفت که این امر دیری نخواهد پایید. وحدت کتونی مسی رود تا از جریان مبارزه‌های سخت و شکوهمند به وحدتی عالی تردست یابد. توده‌های مردم سعی دارند هر نوع قدرت و هم‌کزی را به زیر چنگال خود بکشند. این امری است بس دشوار و مبارزه‌ای بس طولانی را می‌طلبد. دوران تبعیت خفت بار از مراکز قدرت می‌رود تا پایان پذیرد، اما پایان پذیرفته است، تنها بر آن افتاده است.

کسر حقوق، افزایش هزینه زندگی، انتخابات... همگی با خروش مردم روبرو خواهد شد خروشی که در پراکندگی اش وحدتی است. خروشی که در خود پیامها دارد و بازو باز دیوارها و کوچه‌ها پیامهای خلق را در آغوش خواهند کشید.

در این رابطه ضروری است که این پدیده به عنوان یک نهاد دمکراتیک که دستاورد خیزش خلق است در مؤسسات و محلات گسترش یابد. یعنی در هر مؤسسه محله مکانهای خاصی را برای چسباندن اعلامیه‌های مختلف، بدون در نظر گرفتن هیچ محدودیتی، اختصاص داده می‌شود. بارزترین نمونه این امر دانشگاهها هستند که همه‌و هر نوع اظهار نظر و اعلامیه‌ای آزادانه به دیوارها چسبانده می‌شود و حتی گروههای مختلف به جوابگویی می‌پردازند... این پدیده را در کارخانه‌های نزدیک تهران به نام «ایران ترانسفور» هم مشاهده کردیم. در این کارخانه روی یک تابلو اعلامیه‌ها و بیانیه‌های فراوانی متعلق به افراد و گروههای زیاد وجود داشت. این یکی از بهترین شیوه‌های پرورش روحیه دمکراتیک در میان مردم است. اما واحدها و موسسات کوچکتری می‌توانند در مورد مسائل داخلی خودشان هم در این چارچوب به شیوه‌ای دمکراتیک برخورد داشته باشند.

انتقاد از فلان مسئول، پیشنهاد برای فلان مورد، دعوت به اعتصاب، تظاهرات و...

اعلامیه‌ها بحث انگیزند

یکی از خصوصیتهای بسیار جالب اعلامیه‌هایی که در معابر چسبانده می‌شود اینست که معمولاً عده‌ای چند نفری بطور تصادفی به دوران حلقه می‌زنند و آنرا می‌خوانند. تصادفی بودن جمع و مشخص بودن مضمون اعلامیه در بسیاری از موارد خود بخود بحثهایی را بین خواننده‌ها بوجود می‌آورد، موافق و مخالفان بنده می‌کنند

های کوچولو بالاخره باید توضیح دهند که این چه جور دمکراسی است!

دیوار نویسی قدرت عجیبی در شایعه پراکنی دارد. لیست افراد ساواکی، اعلامیه‌های مبتنی بر اینکه مثلاً قرار است ۲۰۰۰ زندانی را آتش بزنند... در شرایطی که زمینه اجتماعی برای پراکندن شایعه‌ای مناسب باشد، احدی را را یارای مقابله با این شایعات نیست.

«اویسی سقط شد» مثل یاد در شهر پیچید و فلان تیمسار مرحوم به جرم اینکه شایع شده اویسی کشته شده، نتوانست در رقم سرزیر خاک فروبرد.

انواع دیوارنامه‌ها

اطلاعیه‌های رسمی، بولتن‌ها، آگهی، تراکت، اعلامیه و... انواع واقسام دیوارنامه‌ها هستند.

در ایران دو نوعش برای ما آشناتر است؛ «اطلاعیه رسمی» و اعلامیه. اولی بدلیل سلطه بی‌بند و بار بوروکراسی و دومی نیز به همین دلیل اما بعنوان متضادش و در بطنش.

بوروکراتها و دستگاههای رسمی به زبان اطلاعیه‌ها و بولتن‌ها جار می‌زنند و اعلامیه‌ها به زبان خشم و به زبان انقلاب نجوایکنند نجوایکنند. اطلاعیه‌ها و بولتن‌ها ادامه «جار زدن»های دوران قدیم می‌باشند.

خلاصه، دمکراسی در ایران می‌رود تا روی دیوارهای کارخانه‌ها، مدرسه‌ها، اداره‌ها و... حیاتی دوباره پیدا کند.

فدائی و مجاهد

هر دو نارنجک ما یکسان است، هر دو یک دشمن و یک سنگر و یک ره داریم، هر دو همسایه هم هر دو را راه درازی در پیش، هر دو در راه مسلسل بردوش، هر دو را نام چریک، هر دو عاشق بزرگی ددل، عشق کاشانه خوشی، ای برادر، همه هستی مرا دشمن برد، آنکه هستی تورا غارت کرد، همکلاسی مرا دشمن خونخوار گرفت، آنکه همدرس توبود، خانه و باغ مرا آتش زد، خانه و باغ تورا نیز بسوخت، ای برادر، من تو و تو همراهم، من و تو سوخته یک ستمیم، هر دو آزرده یک درد و غمیم، من و تو دشمن یکسان داریم، من و تو رنج فراوان داریم، ازمن ای دوست، چنین دورمعمو، ازمن ای دوست، تو بیگانه مباش، من و تو همراهم، در غم و در خوشی و در شادی، من و تو همسفر یک راهیم، یا که را می‌بهرت شهدا، یا بدنیای خوش آزادی

نام چاپخانه افست ۱۷ شهریور شد

در اجتماعی که « دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر» در محل چاپخانه افست ترتیب داده شد، نام این چاپخانه به «چاپخانه افست ۱۷ شهریور» تغییر یافت. قبلاً نام این موسسه «چاپخانه افست ۲۵ شهریور» بود.

در این جلسه همچنین مسائل مختلف کارگری مطرح شد. در پایان قطعنامه‌ای تهیه و خوانده شد.

پروازهای هواپیمائی ملی

تهران خبرگزاری پارس «پانا» امروز هواپیمائی ملی ایران (هما) پاره‌ای از پروازهای داخلی خود را اطلاع ثانوی باین شرح اعلام کرد: پروازهای تهران، کرمان، بندرعباس بالعکس هفته‌ای دو بار در روزهای یکشنبه و سه‌شنبه پروازهای تهران مشهد، زاهدان و بالعکس هفته‌ای دو بار در روزهای دوشنبه و چهارشنبه. پرواز تهران، یزد، کرمان و مشهد و بالعکس هفته‌ای یک پرواز در روزهای پنجشنبه هر هفته. پرواز تهران، اصفهان، یزد، کرمان و بالعکس هفته‌ای یک پرواز در روزهای

چاپ کاویان تلفن ۳۹۲۵۱۹

دانشگاهیان در تدارک تشکیل شوراهای تازه‌ترین طرح انتخاب نماینده برای شوراهای

از شنبه گذشته، بدعوت سازمان ملی دانشگاهیان، اجتماعاتی از دانشجویان، استادان و کارکنان دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران برای تصمیم‌گیری در مورد چگونگی اداره دانشکده‌ها و انتخاب شوراهای در محل دانشکده‌ها تشکیل شده است. در تمام این اجتماعات بر ضرورت تشکیل شوراهای تأکید شده است اما در مورد چگونگی تشکیل آن هنوز بحثها به نتیجه نرسیده است.

شوراهای دانش آموزان در اداره مدارس شرکت می‌کنند

از سوی عده‌ای از دانش‌آموزان تهران جلساتی برای بحث و تبادل نظر در مورد چگونگی اداره مدارس ترتیب داده شده است. در طی این جلسات که با حضور نزدیک به ۱۰۰۰ دانش‌آموز در دانشکده حقوق دانشگاه تهران هفته‌ای یکبار برگزار می‌شود طرح تشکیل شوراهای مدارس متشکل از دانش‌آموزان و دبیران با استقبال محصلین رو برو شده و به همین جهت نکات عمده این گونه شوراهای بوسیله این گروه تهیه و تکثیر شده است. این قبیل شوراهای در چند مدرسه از جمله دبیرستان دخترانه مرزیه احمدی اسکویی (مرجان سابق) و دبیرستانهای پسرانه نقش جهان و وحید تشکیل شده است. در اعلامیه‌ای که از سوی این عده از دانش‌آموزان مبارز طرفدار آزادی منتشر شده است، هدف

مشاور دانشگاه تهران - تهران - خبرگزاری پارس - از طرف مدیریت موقت دانشگاه تهران دکتر سیروس ضیاء معاون سابق دانشگاه تهران به سمت مشاور

جهان

گامهای نخستین ارتش انقلابی

● نیروهای مسلح میهن ما با انتخاب خود می خواهند سرنوشت جدیدی برای ارتش بوجود آورند.

● ارتش انقلابی نباید ابزاری در دست امپریالیسم باشد.

□ ارتش خلقی نمی تواند در جهت تجسم مادی قدرت حاکم برای سرکوب خلق به کار گرفته شود.

تجاوز چین را محکوم کنیم!

درخفقان خونین حاکم بر نظام چین؛ و درواضع و احوالی که قشر فوقانی هیئت حاکمه چین، در نتیجه انحراف بیش از پیش از سوسیالیسم، ماهیت ضد مردمی خود را، در همگامی با امپریالیسم آمریکا و علیه جنبش تجات بخش ضد امپریالیستی و تحریک و شانتاز در صحنه سیاست بین المللی، آشکارتر میگرداند؛ تجاوز به ویتنام، ارمنستان، ارمنستان شومی است که معاون نخست وزیر چین، در بازگشت از آمریکا، به مردم دلدار ویتنام هدیه میکند؛ رهبران یکن، برای این که ذهن توده های کثیر خلق چین را که در شرایط طاقت فرسای کار و زندگی به سر میبرند، منحرف نموده و از جلب توجه آنان به مبارزاتی که در داخل دستگاه رهبری چین وجود دارد، جلوگیری نمایند؛ نقشه بسط سیطره در جنوب خاوری آسیا، فیلیپین و ژاپن و بخصوص هندوچین را بر زبان می آورند؛ از مدت ها پیش، علیه ویتنام، دست به اقدامات خصمانه زدند؛ زمانی کوشیدند تا با قطع کمک خویش، جمهوری سوسیالیستی ویتنام را در فشار و مضیقه قرار دهند و بعد، مساله افراد چینی-اصل را بهانه کردند و چون در قبال تمام تشیبات، ویتنام را در حفظ استقلال خویش و جلوگیری از بسط سیاست تسلط - جویانه، استوار و مصمم یافتند؛ دار و دسته «پل پت» دیکتاتور کامبوج را برضد ویتنام بسیج کردند و پس از آن که قیام نجات بخش خلق کامبوج؛ «پل پت» و دیگر اعمال یکن را به زباله دان تاریخ ریخت؛ با طرح و قبح ترین عنوان ها؛ (حمله محدود و تشبیه کننده)؛ و با توجه به این که اسباب تجاوز به ویتنام را از پیش تشبیه و تدارک دیده بودند؛ با سفر «تنگ شائو پینگ» به آمریکا؛ زمان حمله را انتخاب کردند و با نقض حقوق بین المللی و پایمال کردن موازین سازمان ملل، خاک ویتنام را مورد هجوم و تجاوز قرار دادند... محتوای مشوش و ماجراجویانه سیاست وابسته خارجی چین - که قریه و بازتابی است از سیاست داخلی آن که در نتیجه انحراف از سوسیالیسم فرقه شدن در جریان ضد انقلابی؛ بر آقائی در منطقه و تجاوز به همسایگان و تصرف اراضی آنان مبتنی گردیده؛ یکن را در دوده اخیر، به تجاوز متوالی و متناوب به مرزهای شوروی، حمله به خاک هندوستان و تصرف قسمتی از سرزمین آن، و ایراد فشار مستقیم و غیر مستقیم به «برمه» و «مالزی» و «تایوان» و «شیپان» از پیمانهای سنتو و ناتو و دفاع از حضور نیروهای آمریکائی در اروپای غربی و مخالفت با جنبش های آزادیخواهان عمان طرفداری از شاه ایران و انور سادات و ژنرال نیربی، قاتل کارگران و ترقیخواهان سودان و... سوق داده است. و این بار چین، برای این که در ادامه راه مخوف گسترش تشنج بین المللی و ایجاد جنگ جهانی، به زمینه و میزان آمادگی امپریالیسم در این راه و قوف یافته و در عین حال، چگونگی عکس العمل شوروی را نیز آزمایش نماید؛ خاک ویتنام را معرض تاخت و تاز قرار داده است تا ویتنام را که یک عامل نیرومند بسط آزادی و سوسیالیسم در جنوب آسیاست و از بعضی جهات؛ نقشی شبه «کوباء» در این بخش جهان برعهده دارد، سرکوب نماید.

هر جا در جهان، غریبی از خلق ستمدیده، علیه طبقه حاکمه مترجع و استعمار نو طین می افکند؛ و در هر نقطه ای از دنیا که مردم آن به پایمختی تازنجیر استعمار و سلطه داخل و خارج را در هم بشکنند؛ چین در کنار، و پا به پای دشمنان خلق و مخالفان استقلال و آزادی ملت ها و دست در دست ارتجاع و امپریالیسم، میکوشد تا به هر نحو که ممکن

شود؛ قیام توده ها را سرکوبی و غریب و انقلاب خروشان ملل رنج دیده و خواهان آزادی را در خون و آتش خفه کند، بی جهت نیست که فردای قیام خونین ستم کشان «ژئیر» در افریقا، خشم نامقدس چین، با اعزام قوری وزیر خارجه اش، به آن آشفشان، با کشتار و خون مسیحیان معاصر (سیاه پوستان استقلال طلب) فرومی نشیند و بی جهت مقرر نیست که در آن کولا موزامبیک، رودزیا اتیوپی، آفریقای جنوبی، شیلی، نیکاراگوئه، اروگوئه، ویتنام، کامبوج، بنگلادش هند، یمن، افغانستان، پاکستان و در مر جای دنیا که هست، چین، مستقیم و غیر مستقیم، به توطئه و حمله و تجاوز علیه ملت ها و انقلابیون کم می بندد و شمشیر خون آلودش، به خون مبارزان راه آزادی ملت ها از یوغ استیلای خودی و بیگانه جلا و سیقل می پذیرد و بی جهت نیست که رهبران عظمت طلب چین، که خصلت تجاوز در سرشت آنان مرکوز است؛ ماجراجویانه جنگ را اجتناب ناپذیر و قطعی می شناسند و فارغ از پروای مسئولیت پاسداری صلح و حفظ بشریت، از هیچ توطئه و اقدام در راه به وجود آوردن جنگ با وجود قوت توده های وسیع در چین -

تصمیم به میل تار بزه کردن چین و خرید جنگنده ها از انگلیس و فرانسه و آمریکا و عقد پیمان خاص با ژاپن و دیگر تحریکاتی که چین در صحنه سیاست جهانی کرده و میکند، همه برای سوق دادن جهان است به ورطه مخوف جنگ دیگر!

دیگر سالهاست که ادعاهای چین را در راه دموکراسی و سوسیالیسم و در حمایت از ملل رنج دیده و حمایت از خلق جهان سوم کسی باور ندارد و هیچ افترای یکن نمیتواند ماهیت سیاست جنگجویانه و ضد صلح چین را پوشیده بدارد و اما ویتنام، قهرمان، این بار هم، این جنگ خون آلود را با سر بلندی به پایان خواهد برد.

در این نبرد ویتنام تنها نیست همه آنها که به آرمان های مقدس انسانی و به صلح و بشریت معتقد و وفادارند، تجاوز چین را بشدت تقبیح میکنند و با فریاد اعتراض به چین عمیق همدردی خود را با ملت ویتنام، اعلام میکنند. سکوت در برابر تجاوز چین، و سکوت در مقابل قتل ۱۰۰۰ مردم غیر نظامی نواحی اشغال شده ویتنام، دشمنی است با صلح و پایان فوری جنگ و خروج قوای اشغالگر چین از ویتنام، خواست انسانی زمان ماست... تاریخ نشان داده است که یورش به ویتنام، همیشه با شکست همراه است و ویتنام سوسیالیستی، که از خون آلوده ترین جنگهای ژاپون، فرانسه و آمریکا بیروز و سربلند بیرون آمده، این بار هم در دفاع از آزادی و در دفاع از سرزمین مقدس خود بیروز خواهد بود.

بانگ حیات بخش «هوشی مینه» کبیر، در گوش ویتنام قهرمان طنین انداز است که؛ هیچ چیز گرامی تر از استقلال و آزادی نیست!



این، حکم تاریخ است که تجاوز محکوم است. تجاوز چین را محکوم کنیم!

سازمان ارتش بعنوان برجسته ترین پدیده طبقاتی که نمایندگی رکن سرسخت و وفادار وضعیت منسوخ را برعهده دارد نمی تواند در جریان تحولات اساسی و انقلابی، برکنار از دگرگونی ژرف باشد. از زاویه ای میزان پیشروی و تحقق هدفهای انقلاب از تغییر مناسبات ارتش و جهت نوپدیده آن مشخص میشود.

یعنی همچنانکه در نظام سابق ارتش ابزار آشکار طبقه حاکم بود، با وقوع انقلاب باید به چنان تغییراتی در سازمان ارتش دست زد که دیگر وظیفه سابق را نتواند اجرا کند.

در شکل گیری مناسبات روابط جدید است که کشاکش نوپیدا می آید در یک سو کمانی قرار میگیرند که تا مین منافشان را در حد تحولات صوری و جابجائی چند نفر تشخیص میدهند، در سوی دیگر طبقه ای که با نهاد سازمان قبلی و برقراری نظام نو می توانند بالندگی خود را سر بر سر انجام دهند. ارتش و نیروهای مسلح میهن ما در حال حاضر موقعیتی یافته اند که با انتخاب خود، می خواهند سرنوشت جدیدی برای ارتش بوجود آورند و ماهیت تازه ای به نظام ارتش بدهند.

پرسنل انقلابی بنا به تعهد خود بیشترین سهم را در این انتخاب خواهد داشت به همین دلیل است که خواستار برقراری نظم نو در ارتش است که از بنیاد با نظم گذشته در تضاد می باشد. نظم گذشته چه نظامی بود و چه وظایفی را انجام می داد؛

می توان برای ارتش سابق که بازتابی از روابط اقتصادی اجتماعی میهن ما را در برداشت دو جنبه مشخص تمییز نمود.

الف - به عنوان اهرم نظامی امپریالیسم در منطقه خاور میانه و حتی ماوراء خاور میانه با شرکت در پیمان «سنتو» و بهره گیری از متخصصین نظامی «سیا» و «موساد»، مجاز دانستن پایگاههای متعدد در چهار گوشه کشور، کمکهای نظامی و تسلیحاتی به نظام، اسرائیل، سومالی، راه انداختن جنگهای منطقه ای از قبیل جنگ کرد علیه عراق برای تضعیف جبهه شرق اسرائیل و... .

این رابطه بود که سیل خرید تجهیزات نظامی آغاز شد و مستشاران گوناگون امپریالیستی را بران حضور یافتند و با هزینه ای سرسام آور و نجومی خود را به بدنه اقتصادی میهن مازادند. ب - وظیفه ای که در مقابل ملق ایران برعهده ارتش بود و ماد مختلفی داشت. ما به عمده ترین آنها اشاره داریم. در اینکه سازمان تش تجسم مادی قدرت حاکمه ای سرکوب خلق بود هر روز بیخ ایران و بویژه جریانات ده ماه اخیر شاهد صادقی است

مردم خصلت ضد مردمی پیدا نمی کنند. ب - برکنار از هرگونه وابستگی به امپریالیسم بوده و گزینش فرماندهان به صورت دموکراتیک انجام گیرد. ج - دارای حق شرکت در انتخابات بوده و در فعالیت های سیاسی آزاد باشد. د - از استقلال و موجودیت میهن انقلابی دفاع نماید. در مورد زمان مناسب برای تشکیل ارتش خلقی توضیح زیر را پیش میکشند؛ آنچه که این روزها از سوی دولت موقت انقلاب و گروهی از هم میهنان در پاسخ باین مسئله مبرم روز عنوان میشود، دعوت به صبر و حوصله است. گفته میشود همه اقدامات دولت، موقت است و با انقلاب باید فرصت داد. لذا با تکیه بیک شمار، هرگونه انتقاد از دولت موقت به برچسب ضد - انقلاب مزین میگردد. ما نیز

برونده ۲۴/۵۷۵ - اجرائی شماره ۲۰۶۸۹ م.الف

آگهی مزایده

بموجب اجرائیه صادره از شعبه ۸۱ دادگاه شهرستان تهران له آقای عباس باقری بجستانی و علیه آقای محمد رضا گوهری مقدم معروف به رضا گوهری دائر به فروش پلاک شماره ۵۰ - فرعی از ۲۹۵۱ - اصلی بخش ۷ تهران عرصه و اعیان بمقدار ۷۵/۲۶ متر مربع و مساحت اعیانی ۸۸/۲۶ متر مربع یکبار دکان سنگی پلاک ۲۸۲ شهرداری و نیم بابی پلاک ۲۸۰ شهرداری که انبار دکان سنگی و انذخت و آجر باطاق ضربی و باطاق انباری با تیر آهن ساخته شده و درب آهنی شیشه ای و درب انباری با چوب و پوشش نانوائی کاشی سفید دارای اشعاب آب لوله کشی و برق واقع در خیابان غیائی غرب ۴ راه عارف که طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری ملک پلاک مذکور و حق کسب و پیشه و اشیاء موجود در آن بمبلغ سه میلیون و هشتصد هزار ریال ارزیابی شده است از طریق مزایده بفروش میرسد طالبین میتوانند با مراجعه به محل فوق و دیدار پلاک موصوف در خرید شرکت نمایند مزایده در روز ۱۳۵۸/۱/۱۵ ساعت ۱۰ صبح در اجرائی شعبه ۸۱ دادگاه شهرستان واقع در خیابان جنوبی پارک شهر ساختمان شماره ۳/ دادگستری طبقه ۴ با حضور نماینده دادستان بمحل خواهد آمد به کسیکه بالاترین قیمت را خریدار باشد فروخته خواهد شد مالیات و هزینه های قانونی بهنده خریدار است. مدیر اجرائی شعبه ۸۱ دادگاه شهرستان تهران - مرتضی یادگاری

اتحاد در عمل، مقدم بر اتحاد در کلمه

گفت و گوی اختصاصی «رالف شانمن» با گزارشگران پیغام امروز:

لبته نام کسی را که این نوار را در اختیارم قرار داده فاش نمیکنم، تصور میکنم خود او نخواهد. این شخص یکی از ایرانیان مبارز است که پادستگاه قوی گیرنده امواج خاص رادیویی توانسته پیام را ضبط کند و یک نسخه هم بمن داده است.

رتش و ستسو

س- همانطور که میدانید بخش مهمی از مهمات و سلاحهای ارتش دست نخورده است، هنوز بی کسی به مراکز نگاهداری نیکنگه سلاحهای تهاجمی نرسیده، برشمال تهران و شهرستانها، بنظر می رسد کوشش میشود ترکیب ارتش حفظ شود، تصور میکنم این مسئله را امور ایران مینماید؟

یک هدف داشتند حفظ منافعی امپریالیسم و بی، یا شرکت در پیمانهای مانند سنتو در واقع به منافع ملی خود خیانت کردند. توجه داشته باشیم کلیه ارتشهایی که در دستورش کتدارند، ارتشهایی هستند که از طرف امپریالیسم کشورهای خود را اشغال کرده اند. سلاحهایی که از طرف امپریالیسم در اختیار این نوع ارتشها قرار گرفته، سلاحهاییست که متوجه سرکوب و آرام نگاهداشتن برای خودشان است. در مورد ایران وظیفه دیگری بمعهده ارتش گذاشته شد و آن سرکوب جنبش انقلابی خلق نظام بود.

میتوان بسادگی دید که وظیفه اساسی سنتو محافظت از منابع امپریالیسم بوسیله اعمال زور و قلدری در منطقه بود باید نکته ای را اضافه کنم که سرهنگ توکلی نماینده ایران در دستتود پاکستان بود.

س- از پاکستان گفتید و گفته میشد وقتي یادگان عشرت آباد در تهران بدست انقلابیون افتاد تعداد زیادی افغانی در عشرت آباد بودند که وسیله ارتش ایران تعلیمات میدیدند، گفته میشد که در پاکستان

● خطر عمده که انقلاب ایران را تهدید می کند آنست که پایگاه های تهاجم ارتجاع نابود نشود

● با وجود دولتی که فقط در حرف انقلابی باشد امپریالیسم به آسانی سنگر های از دست داده را می گیرد

● خواست مجاهدین، فداییان و سر بازان انقلابی در ارتش خطر کودتا را برای همیشه از بین می برد

هم تعداد زیادی از مخالفین دولت افغانستان تعلیم می بینند و در حملات علیه دولت افغانستان شرکت دارند، شما در این مورد اطلاعاتی دارید؟

ج- همانطور که میدانید رژیم سابق افغانستان تاحدی تحت نفوذ آمریکا بود و وقتی که افسران در کابل کودتا کردند (من فعلا در مورد سیاست و جزئیات کار افسران افغانی صحبت نمی کنم) اما واضح بود که آمریکا نظر دوستانه ای به افسران و دولت جدید ندارد و آمریکا مخالف آنها است، بدون تردید آمریکا در تسلیح و هدایت مخالفان رژیم افغانستان نقش اساسی دارد. این واقع است. افرادی که بر علیه رژیم افغانستان مبارزه می کنند هم این مطلب را پنهان نمیدارند که آنها از طریق پاکستان و ایران پول، سلاح و دیگر کمکهای لازم را از آمریکا دریافت کرده و میکنند.

● موساد اسرائیل و سپاه

س- چه نقشی برای اسرائیل در ایران می بینید؟

ج- اسرائیل آلت و سلاح اصلی امپریالیسم در منطقه بوده است. اسرائیل در مورد ایران نقش شوم و ویژه ای داشت. «موساد» همپای «سیا» در تریبیت و تعلیم ساواک نقش اساسی را عهده دار بود، یکی از خیانتهای شاه به ملت ایران در واقع عملی اوباشیهیونیس و حتی آلت دست منطقه ای صهیونیسم بود، همانطور که اطلاع دارید شاه هر طور که می توانست در خدمت صهیونیسم بود، خیال صهیونیسم را از جهت نفت آسوده کرده بود، شاه بدست خود پسای کارگزاران و متخصصان صهیونیست را پایران باز کرد و ساواک شاه شیوه های بازجویی شکنجه را از مأموران اسرائیل آموخت حتی

وساواک شکنجه و اذیت اسرائیل در اختیار شاه قرار داد. صهیونیسم در ایران مترادف ارتجاع و امپریالیسم است و تعیین برای بازگشت ارتجاع و امپریالیسم نهایت کوشش خواهد کرد.

س- مطبوعات امریکا اطلاع دادند که سرویسهای امریکائی خروج یافتار ۳۳ نفر از اتباع اسرائیل در ایران رافراهم کردند

ج- این مطلب را اطلاع ندارم اما وقتی که در تبرییز بودم شاهد بودم که در یکی از تظاهرات یکی از روحانیون در برابر نظامیان ایستاده و میگوید اگر می خواهید تیراندازی کنید اول مرا بکشید، فرمانده آن چنان آشفته و ناراحت میشود که سلاح خود را بکنار انداخته و به مردم می پیوندد و متعاقب آن عده زیادی از صفوف ارتش جدا شده و ب مردم تبرییز می پیوندند. از آیت الله قاضی در تبرییز شنیدم که روز بعد همانندوهای اسرائیلی را برای مقابله با مردم به تبرییز آوردند، یکی از سر بازان منزل آیت الله آمده بود و اظهار میداشت حتی اسم مستعار یکی از کماندوها «مصروری» است. و صحبت های

کودتای تازه

س- با توجه به تجربیات مبارزه ملل در حال استقلال و کشورهای مستقل که در آنها کودتا های امپریالیستی موفق بوده و اغلب هم کودتا از طریق ارتشهای نیرومند اجرا شده است. آیا ادامه کار و نقش ارتش، همانطور که شما قبلا گفته اید هنوز احتمال کودتا بدست ارتش ایران وجود دارد؟



ج- فکر میکنم خطر عمده ای که انقلاب ایران را تهدید میکند آنست که انقلاب متوقف شود و ادامه نیابد. خطر عمده که انقلاب ایران را تهدید میکند این است که ساخت سابق با کمی تغییر جان سخن کند و مانع تداوم انقلاب گردد، خطر عمده آنجا ناشی میشود که پایگاه های تهاجم ارتجاع نابود نشود مشلا قشر افسران ارتش در همان موضع و موقعیت با مختصری تظاهر و همبستگی به جریانات روز در جا و موقعیت سابق ابقاء شوند، نظم اجتماعی و اقتصادی دست نخورده بماند و مثل دوره سابق ادامه یابد اگر چنین باشد و دولتی مستقر شود که تنها در حرف و کلام انقلابی است و ماهیت انقلابی نداشته باشد، آنگاه تنها مسئله زمان مطرح است و امپریالیسم به آسانی قادر خواهد بود سنگر های از دست داده را پس بگیرد.

در ایران انقلابی، جریانی انقلاب باید تمام نهاد های جامعه را در بر گیرد و تمام پایگاه های سیاسی اقتصادی، نظامی رژیم دست نشانده امپریالیسم را اشغال نماید و جامعه از ساخت جدید و منطبق با حرکت انقلابی برخوردار شود. در مورد ارتش تصور میکنم خواست مجاهدین، فداییان، سر بازان انقلابی باید بر آورده شود تمامی دستگاه های ارتش خلقتی شود و ارتش بدست افرادی که انقلاب کرده اند و عمیقاً انقلابی هستند اداره شود این قانون اساسی و اولیه دفاع از انقلاب است اگر خواسته شود که خطر کودتا برای همیشه از بین برود یا ارتش سرکوبگر دیگری بوجود نیاید باید ارتش انقلابی از افرادی که انقلاب کرده اند بوجود آید.

آرمان های انقلاب

س- از نظر شما ضد انقلاب چیست؟

ج- انقلاب ایران چه محتوای ماهیتی داشت؛ انقلاب بدنبال چه تغییری بود؟ اولاً میخواست و در صدر همه چیز میخواست ساخت اختناق و سرکوب ۲۵ ساله را در هم ریزد. این معنایی وسیع داشت، منظور و هدفش مجازات چند فرد و جنایتکار و شکنجه گر و خائن نبود

بل تمام بنیاد اختناق و رژیم کوری از آن بهره مند بود این در سلسله پهلوی هم خلاصه نمی شد تمام ساخت و بنیاد اقتصادی سیاسی نظامی اختناق در واقع زیر بنای ایران دومین صفت مشخصه انقلاب بود فکر می کنم باید بان اشاره کرد جنبه ضد امپریالیستی انقلاب ایران است. بر وشتی انقلاب ایران متوجه حضور بلا منازع امپریالیسم امسریکا و شرکای آن در حیات اقتصادی نظامی و سیاسی ایران بود.

انقلاب میخواست ایران را از یوغ امپریالیسم آزاد سازد. من تصور نمی کنم امکان داشته باشد که این هدف دو گانه بر آورده شود مگر آنکه توده های کارگران دهقانان سربازان دانشجویان و تمام قشر های ملت ایران زندگی سیاسی مملکت را بدست گیرند.

هر اقدام کمتر از این معنایش نظام بورژوازی ست که بدون کمک و دخالت امپریالیسم قادر بادامه حیات نخواهد بود زیرا نیازمندی های اقتصادی و سیاسی کشور در سیستم بورژوازی بدون یاری امپریالیسم قابل حل نیست شرافتمندانه اعتقاد ندارم که در عصر حاضر هیچ سیستم بورژوازی قادر شود مستقل و بدون حمایت امپریالیسم بوجود آید سیستم بورژوازی برای دفاع از خود در تحلیل نهایی نیازمند امپریالیسم است و همینطور امپریالیسم نیازمند سیستم بورژوازی ست اگر کارگران بخواهند کنترل کارخانه ها را بدست گیرند و یا دهقانان کنترل اراضی را لاجرم سیستم مانع کار آنها می شود سیستم برای سرکوب آنها دست به دامان امپریالیسم خواهد شد.

انقلاب میخواست ایران را از یوغ امپریالیسم آزاد سازد. من تصور نمی کنم امکان داشته باشد که این هدف دو گانه بر آورده شود مگر آنکه توده های کارگران دهقانان سربازان دانشجویان و تمام قشر های ملت ایران زندگی سیاسی مملکت را بدست گیرند.

هر اقدام کمتر از این معنایش نظام بورژوازی ست که بدون کمک و دخالت امپریالیسم قادر بادامه حیات نخواهد بود زیرا نیازمندی های اقتصادی و سیاسی کشور در سیستم بورژوازی بدون یاری امپریالیسم قابل حل نیست شرافتمندانه اعتقاد ندارم که در عصر حاضر هیچ سیستم بورژوازی قادر شود مستقل و بدون حمایت امپریالیسم بوجود آید سیستم بورژوازی برای دفاع از خود در تحلیل نهایی نیازمند امپریالیسم است و همینطور امپریالیسم نیازمند سیستم بورژوازی ست اگر کارگران بخواهند کنترل کارخانه ها را بدست گیرند و یا دهقانان کنترل اراضی را لاجرم سیستم مانع کار آنها می شود سیستم برای سرکوب آنها دست به دامان امپریالیسم خواهد شد.

● هیچ سیستم بورژوازی در عصر حاضر نمی تواند حمایت امپریالیسم بوجود نی آید

● بستن راه ادارت با ط دانشجویان با کارگران کارخانه ها

● اولین قدم سرکوب انقلاب است

● یک نهضت انقلابی نمی تواند در وجود شورایی

● سری با اعضای ناشناس خلاصه شود

آغاز سرکوب انقلاب

س- گفته می شود که در روز های گذشته مقامات از کارگران خواسته اند تا دانشجویان و دیگر عوامل مترقی را به کارخانه ها راه ندهند.

ج- فکر می کنم اولین اقدام سرکوب انقلاب از اینجا آغاز می شود. اولاً در یک جامعه دمکراتیک و آزاد، آزادی اجتماعات، بیان از حقوق ابتدایی است، چرا دانشجویان نتوانند با کارگران صحبت کنند، چه کسی تعیین می کند فردی که دانشجو ست و چون دانشجو ست نباید با کسی که در کارخانه کار می کند تبادل نظر داشته باشد؛ این یک عقیده دیکتاتورمانه و توتالیتر است که کارگران را عنصری نا آگاه، قدری متکامل تر از حیوانات تصور کند که با هر نظر خارج از دیوار کارخانه گفتاش به پا می کنند.

تصور می کنم اگر چنین عقیده ای ابراز شود ضد انقلابی و برخلاف مسیر طبیعی انقلاب است، این دانشجویان و کارگران بسودتد که

همیای دیگر عناصر انقلابی قیام کردند. چه کسی متکرین می شود که کارگر قادر نیست سود و زیان خو را تشخیص دهد و حتما باید دیگران بجای او تشخیص دهند. در این عقیده مطلب شومی که نهفته است اینست که حتما باید افراد نخبه ای بجای کارگران منافع کارگران را حفظ نمایند، این تصمیم که کارگران را از دیگر یارانش جدا کند بسیار خطرناک و ضد انقلابی است. معنای این کار محدود کردن آزادی سیاسی برای محروم ترین و انقلابی ترین بخش جامعه است، چرا باید چنین چیزی تنها یک هفته بعد از انقلاب روی دهد؟ تصور می کنم آن مسئول و افرادی که اونماینده آنهاست بدست از کارگران و اهمه دارند و بنظر می رسد که کارگران تقاضاهای سیاسی و اقتصادی دارند که چنین افرادی نمیخواهند بر آورده نمایند، کارگران مجبورند برای بر آورده کردن خواستهایشان دست به اقدامات دیگری بزنند.

شورای نظامی و بازگشت امریکائیان

س- بعد از مصاحبه شما و افشای مطالبی بحث های تند پیدا شده و حتی صحبت از اینست که دودستی های آشکاری در نهضت بوجود آمده و عده ای از کمیته های خاصی کارنامه گیری کرده اند، در این زمینه اطلاعاتی دارید؟

ج- برای من جای بیش از حد خوشحالی است که بنیم بعد از اظهارات من نقشه افرادی مانند توکلی و افسران دیگری مانند قره نئی، انور و سرهنگ هایی که عضو شورا ... راستی شما اطلاع دارید که دیشب فاش شد یک شورای نظامی بوجود آمده که ارتش را اداره می کند؛ چه کسی این شورا را انتخاب کرده؟ بعد از روزها، تازه دیشب خبر موجودیت شورا فاش می شود این شورا خود را مقام دیصلاح ارتش می داند. چه کسی این مقام را به شورا داد؟ مردم ندانند افسران و سر بازان هم ندانند و این یک حادثه خارق العاده ای است که قشری از افسران ارتش، ارتشی را که بدست مردم شکست خورد دوباره براندازند تنها امید اینست که اقدام من در جهت خواست مردم انقلابی برای از بین بردن پایگاه مسلح ضد انقلاب و امپریالیسم باشد.

● برای من جای بیش از حد خوشحالی است که بنیم بعد از اظهارات من نقشه افرادی مانند توکلی و افسران دیگری مانند قره نئی، انور و سرهنگ هایی که عضو شورا ... راستی شما اطلاع دارید که دیشب فاش شد یک شورای نظامی بوجود آمده که ارتش را اداره می کند؛ چه کسی این شورا را انتخاب کرده؟ بعد از روزها، تازه دیشب خبر موجودیت شورا فاش می شود این شورا خود را مقام دیصلاح ارتش می داند. چه کسی این مقام را به شورا داد؟ مردم ندانند افسران و سر بازان هم ندانند و این یک حادثه خارق العاده ای است که قشری از افسران ارتش، ارتشی را که بدست مردم شکست خورد دوباره براندازند تنها امید اینست که اقدام من در جهت خواست مردم انقلابی برای از بین بردن پایگاه مسلح ضد انقلاب و امپریالیسم باشد.

پیغام امروز

صاحب امتیاز: عبدالرسول عظیمی
زیر نظر شورای نویسندگان
مدیر مسئول: رضا مرزبان
ناشر: شرکت پیغام نو
خیابان ویلا - خیابان خوشبین
شماره ۶۰ طبقه ۲ تلفن ۸۲۰۵۹۶

چاپ کاپیان

تلفن ۳۱۶۲۰۹ - ۳۹۲۵۱۹
بقیه در صفحه ۸

بهاران خجسته باد

بادرود به همه زحمتکشان و کارگران و بنام کارگران قهرمان، صفحه کارگری را می گشایم. بدون حاشیه، به اصل مطلب بپردازیم. و ممکن است در وهله اول هدف بوجود آوردن این صفحه روشن نباشد پس به همین موضوع بپردازیم.

حداقل همه کارگران می دانند که رژیم کارگرکش سابق با تمام نیروی کوشید جلوی آگاهی کارگران را بگیرد. دیکتاتوری شاه بخوبی تشخیص داده بود اگر کارگران از وضع همدیگر باخبر گردند و دریا بند که در کارخانه ها چه می گذرد، هر چه بیشتر به ضرورت همبستگی کارگران سراسر ایران پی می برند و به نیروی شکست ناپذیری بدل می شوند. از این رودستگاه بیدارگری بملی برای حفظ منافع سرمایه داران وابسته به بیگانه، شروع به جلوگیری از انتشار اخباری کرد که در محیط کارخانه ها وجود داشت. همه روزنامه ها را مجبور نمود که کوچکترین خبر و نوشته ای را که بیانگر قانون شکنی کارفرمایان بود سانسور کنند و این اختناق آنچنان پیشرفت نمود که کارگران دو کارخانه ای که در کنار یکدیگر بنا شده بود از وضع همدیگر بی خبر بودند.

امروز اما روز دیگریست انقلابی که با شرکت فعال زحمتکشان و بخصوص کارگران موفق به درهم شکستن دستگاه زور و اختناق رژیم چاکر صفت شاه شده است. بسیاری از شرایط پیشین را تغییر داده است. لاقاع فضا بازتری برای افشاکاری وجود دارد و در این حال است که تمام دوستان واقعی خلق باید بیشتر استفاده را از امکانات بدست آمده بکنند. ما هم در حد توانایی مان، تصمیم به بازگشودن چنین صفحه ای گرفته ایم. بطور کلی باید گفت این صفحه در خدمت منمکس کردن منافع کارگران است. این گفته کلی وظایف مشخصی را برعهده دارد که بصورت خلاصه اینچنین خواهد بود.

- ۱- نشر اخبار کارگری.
- ۲- تحلیل و تفسیرهایی در خصوص مسائل کارگری و ضرورت بهبود شرایط کار.
- ۳- کمک به بوجود آوردن تشکیلات واقعی کارگری و نشان دادن ضرورت این نوع تشکیلات.
- ۴- تجزیه و تحلیل قوانین کار در جهت ارتقای خدمت این قوانین به طبقه کارگر.
- ۵- کوشش در راه بسالابردن سطح آگاهی سیاسی طبقه کارگر بعنوان مترقی ترین و انقلابی ترین طبقه جامعه. اما حقیقتی که رفقای کارگر باید بدانند آنست که ما بدون آنان هیچیم. این صفحه در صورتی می تواند کوچکترین خدمتی به طبقه کارگر بکند که خود آنان بطور مستقیم در این صفحه نقش داشته باشند یعنی آنکه اخبار کارخانه و سندیکا و شورای خود را بیا بیا بدهند، ما را در جریان قانون شکنی ها بگذارند و برای صفحه خودشان مطلب تهیه کنند و بطور مداوم در انتشار این صفحه دخالت نمایند. انتقاد کنند و دست ما را بگیرند و به پیش برند با امید فراوان به این همکاری ما کارمان را شروع می کنیم و با اعتقاد به این حقیقت که هر بهار در صورتی بهار خواهد بود که در آن هزاران گل بشکند، به پیش می تازیم.

شوراهای کارگری چیست و چه کسانی با آن مخالفت می کنند؟

سندیکا یا شورای کارگری در مرحله ای از حرکت کارگران بعنوان سازمانی که می تواند منافع کارگران را در برابر بهره کشی پرولت کارفرما حفظ کند، مطرح می شود. از طریق برقراری این سازمانهاست که کارگران به منافع اساسی خود و لزوم عمل متحد آگاهی می یابند و نیروهای خود را در مراحل مترقی مبارزه خود برای انهدام روابط نامطلوب و استثمارگری بکار می گیرند واضح است این سازمانها حتی در حرف هم مورد خوشایند قشرهایی نخواهد بود که در دروی منافع کارگران قرار گرفته اند به همین خاطر آنها با هر اسامی از جان گیری اولین نطفه های کارگری از فعالیت تدافعی و ریاکارانه شروع می کنند و در نهایت به سرکوب و قهر متوسل خواهند شده چنانکه تا حال چنین عمل کرده اند. به همین مناسبت است که موضوع سندیکا امروز از هر دو طرف جدی تلقی میشود. و ما هم خواسته ایم در درون این کشاکش سهمی داشته باشیم. در جامعه ای که سرمایه های تولیدی در دست عده یسی محدود تمرکز دارد و یا وابستگیهای سرمایه داری نقش عده یسی در جریان تولید دارند. طبیعی است نهادها و مؤسسات دولتی، سیاسی و قانونی همواره با حاکمیت اقتصادی طبقه کارگر از سرمایه های وابسته و صاحبان سرمایه عمل کنند. و فعالیتشان جهت بگیرد که منافع طبقه فوق را طی کند. اگر بطور محتمل در سرخورد از کانونها و مؤسساتی بهره گیرد که عنوان کارگری و غیره سرمایه داری دارند در عمل از همان کانونها نیز مصالحی می سازد برای تحکیم موقعیت خود اما علیرغم کوشش و تلاشهای رنکارانک صاحبان سرمایه در زمینهای مختلف خاصیت غیر کارگری آنها برای کارگران و صاحبان نیروی کار، بر مالا می گردد. تا تأثیر ابتدائی آشکار شدن ماهیت غیر کارگری و حتی ضد کارگری سازمانها در برخورد با منافع کارگران، در شکل گیری بی اعتمادی کارگران نسبت به این سازمانها مشهود است و اینکه چگونه کارگران با این سازمانها برخورد می کنند: (سندیکای فرمایشی-نماینده قلابی-قانونهای رسوخیزی) کلمات و عباراتی هستند که کارگران طی برخورد های متعدد خود با سازمان کارگران سندیکاهای سابق-قانون کار سابق- نمایندگان خودشان بدست آورده اند. عباراتی که شناخت درست کارگران را از ماهیت دستگاههای دولتی سابق بازگو می کند. موضوع تردید در ماهیت سازمانهای فوق حتی با داشتن عنوانهای کارگر، اولین گام کارگران در جهت منافع خود می باشد. اقدام بدی کارگران، از سویی در رابطه مستقیم با میزان شناخت و استنباط آنها از ضرورت یک سازمان واقعی است و از طرف دیگر، بستگی به شرایط و ادعاهای دموکراتیک دولت حاکم دارد که

دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر، بیش از یکماه است که برنامه هایی را در کارخانه های مختلف تهران برای بسالابردن آگاهیهای دموکراتیک و سوسیالیستی طبقه کارگر اجرا می کنند. در این مدت دانشجویان به بیش از ۳۵ کارخانه رفته اند و اکثراً با استقبال کارگران روبه رو شده اند.

دانشجویان در بیان نه ای ضمن اعلام موجودیت خود هدف از رفتن دانشجویان به کارخانه ها را اینچنین توصیف کرده اند: «حرکت انقلابی دانشجویان معتقد به مثنی سیاسی-تشکیلاتی در جهت انجام وظایف سوسیال-دمکراتیک خویش در قبال جنبش زحمتکشان جامعه، طبقه کارگر و روشنفکران در اوضاع کنونی می تواند و بایستی بصورتی هر چه فشرده تر و هر چه سازمان یافته تر انجام پذیرد. در این رابطه وجود تشکیلاتی منظم و دقیق که ما را در انجام وظایف خویش یاری رساند بطرز مبرمی احساس می گردد.

از آنجا که اوضاع کنونی شرایط هر چه مساعدتری را نیز در جهت ایجاد چنین تشکیلاتی

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای سیفاله سامی رازلیقی فرزند شاه حسین با تسلیم دو برگ استشهاد مصدق بشرح وارده بشماره ۶۰۶۷۷ - ۱۳۵۷/۱۰/۴ اعلام نموده که سند مالکیت شش دانگ یک قطعه زمین بمساحت ۱۵۴ متر مربع پلاک شماره ۱۹۳۶۱ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۰۷ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی و سفنارد بخش ۱۲ تهران مورثیت ۱۷۳۳۲۶ صفحه ۲۱۰ دفتر جلد ۷۲۰ املاک دارای شماره چایی ۲/۱۹۹۳۵۲ که بنام الکساندر مرادی ثبت و بعلت اسباب کثی مفقود گردیده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده است. لذا طبق تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب در دو نوبت بفاصله ده روز آگهی میشود تا هر کس مدعی انجام معامله و یا وجود سند مالکیت نزد خود باشد از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف ده روز و اخواهی خود را باین اداره تسلیم نموده و رسید دریافت دارد و الا پس از انقضاء مهلت قانونی و عدم وجود و اخواهی وفق مقررات نسبت بصدر المثنی سند مالکیت اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۳۵۷/۱۲/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۳۵۷/۱۲/۱۹
محمد طیبی - رئیس ثبت اسناد شهری
از طرف - میرعمادالدین حسینی
الف - ۲۰۶۸۳

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای صفر رستمی با تسلیم دو برگ استشهاد مصدق بشرح وارده بشماره ۵۷۴۰۹ - ۱۳۵۷/۹/۱۴ اعلام نموده که سند مالکیت شش دانگ یک قطعه زمین بمساحت ۹۳/۶۰ متر مربع پلاک شماره ۵۵۰۳ فرعی از ۱۲۳ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۶۹ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی د لت آباد بخش ۱۲ تهران مورد ثبت ۶۰۹۸۷ صفحه ۵۷۵ دفتر جلد ۳۴۷ املاک دارای شماره چایی ۶۷۴۱۵۷ که بنام نصرت اله شفیعی ثبت و برابر سند شماره ۴۷۵۳۱ دفتر ۶ شهر ری به متقاضی منتقل شده بعلت اسباب کثی مفقود گردیده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده است. لذا طبق تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب در دو نوبت بفاصله ده روز آگهی میشود تا هر کس مدعی انجام معامله و یا وجود سند مالکیت نزد خود باشد از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف ده روز و اخواهی خود را باین اداره تسلیم نموده و رسید دریافت دارد و الا پس از انقضاء مهلت قانونی و عدم وجود و اخواهی وفق مقررات نسبت بصدر المثنی سند مالکیت اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۳۵۷/۱۲/۸
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۳۵۷/۱۲/۱۹
محمد طیبی - رئیس ثبت اسناد شهری
الف - ۲۰۶۸۲

نیروی دولتی در حال نضج آنهاست که از آن موضع منافع را سالمتر و جامعتر حفظ کنند. این راه باز نخواهد ایستاد اگر مجبور باشد روزی به مدعیان امروز دوستی با خود تیغ کشد.

فعال خود در حوادث و جریانهای

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای فریدون امیر ابراهیمی مالک شش دانگ یک قطعه بمساحت ۵۵۲/۹۸ متر مربع پلاک ۷۵۲ فرعی از ۶۷۲۳ اصلی بخش دو تهران مفروز و مجزی شده از پلاک اصلی مذکور که سند مالکیت آن ذیل شماره ۱۱۴۲۵۷ - دفتر ۸۶۱ بشماره چایی ۳/۴۹۳۸۶۴ بنام آقای فریدون امیر ابراهیمی صادر و تسلیم گردیده است و برابر سند ۸۸۰۲ - ۳۶/۴/۱ - دفتر ۳۶۶ تهران نسزد بانک ساختمانی در رهن است و بعداً برابر صورتجلسه تفکیکی ۳۷۴۶/ش-۵۷/۲/۱۸ تفکیک و قطعه ۱۲ تفکیکی برابرسند ۲۸۲۲۱-۳۷/۵/۲۵ دفتر خانه ۳۰۷ تهران مورد انتقال قطعی قرار گرفته است.

باستناد دو برگ استشهاد محلی که امضاء شهود آن بگواهی دفتر خانه ۵۴ تهران رسیده است سند مالکیت مذکور بعلت اسباب کثی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب باستناد تبصره یک اصلاحی مورخ ۱۳۵۳/۱۱/۲۰ الحاقی بنامه ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در دو نوبت بفاصله هرده روز یکبار آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت بملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نسزد خود میباشد مراتب را از تاریخ نشر دومین (آخرین) نوبت این آگهی ظرف ده روز باین ناحیه اعلام و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله باین ناحیه تسلیم و رسید اخذ نماید و الا پس از انقضاء مدت مزبور و نرسیدن و اخواهی میدارت بصدر سند مالکیت المثنی خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۵۷/۱۲/۸
سرپرست نواحی شمال ثبت تهران
گیرنده رونوشت
دفتر بازداشتی ناحیه شمال قط جهت اطلاع.
الف ۲۰۶۸۱

پیغام امروز

برای فرار از دست کماندوهای فلسطین شاه به امریکا پناهنده میشود

تهران - خبرگزاری پارس - خبرگزاری فرانسه بنقل از روزنامه دیلی اکسپرس از لندن گزارش داد که شاه ایران بزودی مغرب راترک و برای فرار از دست کماندوهای فلسطینی که او را تهدید به قتل کرده اند به ایالات متحده پناهنده خواهد شد.

بر اساس گزارش این روزنامه آیت الله خمینی به پاسر عرافات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین قول داده است که چنانچه شاه زنده یا مرده به ایران بازگردانده شود این کشور دیگرتفت به اسرائیل نخواهد داد.

پرداخت رشوه برای آزادی دو زندانی آمریکایی

تهران خبرگزاری پارس - خبرگزاری رویتر از نیویورک گزارش داد که مجله نیوزویک به نقل از طرفداران آیت الله خمینی رهبر مذهبی انقلاب ایران نوشته است که یک واحد کماندویی سازمان یافته از سوی «واس پروت» مبلغ ۱/۵ میلیون دلار برای خلاصی دوتن از کلامندان خود پرداخته است.

نیوزویک به نقل از همین منابع نوشت که کماندوها تکبهای زندان قصر را تطمیع کرده بودند. رشوه پردازی در روز دهم فوریه یکروز پیش از فرار عمومی ۷۰۰۰ زندانی صورت گرفت.

آقای پروت در دالاس تکراس گفت که یک گروه کماندویی در پشت پرده عملیات آزادسازی زندانیان فعالیت داشته است.

عملیات مجتمع پتروشیمی بندر شاهپور بحال تعلیق درآمد

آسای از توکیو گزارش داد که ایجاد یک مجتمع پتروشیمی در بندر شاهپور بدلیل عزیمت تکنیسین های ژاپنی که در این طرح کار می کردند در حال حاضر به حالت تعلیق در آمده است بر اساس گزارش خبرنگار این روزنامه در ایران ۲۷ کمپانی شرکت کننده در ساختمان این مجتمع تصمیم گرفتند طی هفته های اخیر تعداد ۱۸۰۰ تن پستل خود را از بندر شاهپور تخلیه کنند کل مبلغ این طرح در حدود سه میلیون دلاری باشد.

سخنرانیها

● محمود دولت آبادی روز چهارشنبه ساعت ۳ بعد از ظهر در مدرسه عالی پارس سخنرانی خواهد داشت.

● سخنرانی محسن یلفانی ساعت ۳ عصر روز سه شنبه در دبیرستان خوارزمی شماره ۴ برگزار خواهد شد. آدرس دبیرستان خوارزمی روبروی سینما دیاموند است.

● گروهی از نظامیان از دیگر همکاران خود دعوت کردند امروز - سه شنبه - در دانشگاه صنعتی جلسه ای تشکیل دهند و درباره مسائل حاد نظامی به شور بپردازند.

این جلسه برای عموم آزاد نیست.

● گروه آبی نظامیان و مردم روز پنجشنبه ۱۰ صبح در دانشگاه صنعتی صورت می گیرد. در این گروه آبی مسایل جنبش و نظامیان مورد بحث قرار خواهد گرفت.

پروازهای کراچی و بمبئی آغاز شد

هوایماهای ملی ایران اعلام کرد پروازهای برنامه ای کراچی و بمبئی از بامداد امروز سه شنبه آغاز خواهد شد.

یک نکته افشاء نشده:

در افغانستان چه کسی با دولت انقلابی می جنگد؟

دولت بختیار، هنوز احساس قدرت می کرد که مرحله تازه سید مهاجران افغانی در تهران آغاز شد. و جالب توجه این بود که خبر بازداشتها، هرگز شامل بازداشت ساده نبود. و هر بار که بازداشتی را اعلام می کردند، افراد گروه بازداشت شده همه مسلح بودند. و در عین حال هیچکدام از اسلحه خود، برای دفاع و فرار استفاده نمی کردند، و اگر ده نفر بودند یادوست نفر و معلوم نبود این سلاح ها را برای چه می خواستند و یا خود حمل می کردند. هنگامی که یادگان عشرت آباد سقوط کرد، گفتند آنچه چهار هزار افغانی مهاجر بی گذر نامه نگهداری می شده اند، این افغانی ها، تا آنجا که معلوم است نباید زندانی می بودند، زیرا محل نگهداری آنها یک آمادگاه آموزشی بود، و افراد وظیفه آنجا آموزش می دیدند.

برای شهربانی و برای سازمانهای دیگر، وقتی هم که آزاد شدند کسی نپرسید جریان بازداشت آنها چه بود؟ چند شب پیش رادیو لندن در ضمن تفسیرهایش، از مسائل داخلی افغانستان گفت و جبهه شرقی ضد حکومت افغانستان، و بعد یادآوری کرد، از بدنه غربی هم، هر چند که مذهب رایج افغانستان تسنن است، افغانی های شیعه مذهب هم مرز ایران، این کشور را تهدید می کنند، و خطری بشمار می آید. لندن، مذهب را عامل تعیین سر نوشت حکومت انقلابی افغانستان جلوه می داد، و درین کار تلاش داشت.

امریکا در خلیج فارس

سیاست تهدید و رعب غلبی همچون یک تحرک، توطئه انگیزی بین المللی، در سطح جهانی نام ببرند.

پیغام امروز و امروز

بقیه از صفحه ۱

اضطراری تاریخ را به سوی تمدنی خالی از انواع ستم، بر انسان در پهنه زمین، و طلوع روشنی بی زوال را در آسمان زندگی انسانها میسازد. دور از هر نوع تمصب و قشری بودن و سکتاریسم مسلکی و مذهبی و قومی و طبقاتی.

با چنین اعتقادی و در چنین شرایطی که خود با آن درگیر هستید، در شرایط هوای گرسنگی و میش، که هنوز فضای تیردی مشکوک است، به مردم مبارز ایران، سلام می گوئیم و با شما پیمان می بندیم که همه جا، درین فضای خاکستری، هم پیمان مردم و مدافع حقوق مردم، و هم سنگر و هم گام مردم باشیم. و با هر چه از آن جنگ و پلیس و اختلاف طبقاتی و استثمار می زاید، هر چه غارتگری است نبرد آشتی ناپذیر و مردمی را ادامه دهیم.

به انسان سوگند و به پیکار، که میثاق خود را، سرخ و درخشان نگاه خواهیم داشت. فردا همچنان امروز.

گزارش و سپاس:

چنان اتفاق افتاد که پنج روز پس از پیروزی اعتصاب تاریخی و بزرگ مطبوعات و در ارتفاع مبارزه ملی و مردمی پیغام امروز به تعطیلی اجباری کشانده شد. شرح واقعه به اختصار چنین است: پیغام امروز روزنامه ای بود محدود چاپخانه از خود نداشت ذخیره سرمایه و سازمان متشکل از نیروی انسانی نداشت شخصی اداره می شد و دو ماه اعتصاب فرصت کافی بود تا شیرازه روزنامه گسیخته شود.

پس از اعتصاب پنج روز روزنامه را منتشر کردیم و روز پنجشنبه نخست با عجز مدیر روزنامه از پرداخت هزینه آن و مطالبات جدید چاپخانه رویارو ماندیم بی آنکه به اندازه خرید کاغذ روزنامه هم بولی باشد. روز پنجشنبه پیغام امروز منتشر شد و روز شنبه یاران مطبوعاتی ما بحیثیت نویسندگان پیغام امروز برخاسته و صادقانه ترین پشتیبانی را آیندگان و اطلاعات و کیهان نسبت به ما ابراز کردند.

از آن زمان تنها گذشت روزهای پر نشیب و فراز مبارزه و ما با تمام شور و هیجانی که داشتیم قطعه به تلاشهای خیابانی محدود ماندیم و صدای ما جز آنکه گاه از طریق آیندگان و کیهان به تناسباتی بگوش رسید در گلو خفته شد. تا دوستانی چند همراه قدم پیش گذاشتند و تدارک نشر مجدد روزنامه را دیدند و مدیر و صاحب امتیاز پیغام امروز نیز که آن زمان به تهران بازگشته بود از سر تفاهم و تأیید امتیاز خود را با انتقال مسئولیت انتشار آن به یکی از همکاران تحریریه سپرد و ما باین ترتیب و با تدارک تازه توانستیم به جریان به پیوندیم پس از آنکه مدتی تلخی دور افتادن از آب را از غلط جاری حرکت و تلاش را چشیدیم.

و روز مجدداً جمع مطبوعات باز با تأیید حمایت پر صداقت همکاران همراه بود و ما بار دیگر از هیاتهای تحریری آیندگان اطلاعات و کیهان و نیز از توجه عمیق نویسندگان و خبرنگاران برخوردار گشتیم باین سیاست می گذاریم هم دوستان و همکاران را و هم شرایطی که این بار با دستهای باز و با شور نو ما را بروج برخوردش حرکت ملی و مردمی جامعه ما بازگرداند و شما خوانندگان پاکدل و آگاه را

سپاس و اختصاصی رالف شانمن

قطعا مورد قبول ملت قرار خواهد گرفت تمام اقدامات ارتش بنام جمهوری اسلامی نهضت ملی انجام خواهد گرفت تصور می کنم این ستاره یوی است که امپریالیزم برای مواجهه با انقلاب ایران تهیه کرده است خیلی روش است، صراحت دارد و می توانم به جرات بگویم با یک تمجیل بیشتر مانه اقدام کردند افرادی مانند قرنی عامل آشکار و شناخته شده امریکا در مهمترین مقام ارتشی قرار گرفته است. اولین اقدام قرنی بازگرداندن مستشاران و نظامیان امریکا به ارتش ایران است. من فکر نمی کنم این چنین اقداماتی کوچکترین وجه تشابهی با خواستهای ملی انقلابی داشته باشد. شرایط قلبی طوریت که مردم دلسرد می شوند و عناصر انقلابی اتخاذ موضع دقیق نموده اند. دولت همس نمی تواند اقدامات خود را حتی در محدود یا آن سرعتی که در تقاضا داشت انجام دهد. همانطور که دیروز مجاهدین اعلام کرده خواستهای انقلابی خود را به عنوان دستور روز مطرح می کنند: ارتش با ترکیب قبلی مضمحل و تریک جدید ارتش انتخابی و با شرکت انقلابیون انجام شود. هیچ تصور نمی کرد که یک نهضت انقلابی بجایی برسد و در وجود شورای س خلاصه شود که اعضای آن ناشناس و این شورا کلیه انتصابات را انجام دهد و اجازه ندهد که مردمی انقلاب کردند ارکان های رهبر خود را تعیین نمایند.

بقیه از صفحه ۱

واقیعت اینست که بنام یک انقلابی ضد امپریالیست بیستم هم صدا با انقلابیون واقعی ایران، مجاهدین و فدائیان و دیگر انقلابیونی که جنگیدند قدمی بردار از بین بردن یک پایگاه امپریالیزم برداشته باشم و این نهایت خوشحالی من است. اگر توجه کنیم که در واقع توکلی و دوستانش چه می خواستند و چه می گفتند اصل حرف توکلی این بود: کوشش نکنید بدست افسران دمخور شاه تسلط امریکا را در ایران حفظ کنید، زیر آنها پایگاه و نفوذ ملی ندارند و ایده ثلویزی قابل قبول ملت هم ندارند، اما ما افسران که ضد کمونیست هستیم و از آنجا که با نهضت اسلامی همکاری می کنیم مردم به دنبال ما خواهند آمد و این ما هستیم که می توانیم منافع امپریالیزم را تضمین کنیم پس از ما حمایت کنید ما می توانیم این کار را انجام دهیم مردم تصور خواهند کرد که ما افسران ملی هستیم و از آنجا که همراه نهضت بوده ایم سیاستمداران هم با ما خواهند بود و از ما حمایت خواهند کرد چون آنها هم طرفدار تغییرات رادیکال نیستند... در واقع آنچه توکلی پیشنهاد می کرد این بود که امپریالیزم می تواند با حمایت از یک گروه ناسیونالیست و محافظه کار که طرفدارانی دارد منافع خود را در ایران حفظ کند این تعریفی بود که او بی پرده از نهضت اسلامی می کرد و همین تعریف را شامل حال سیاستمداران میانه رو می دانست نکته مهم اینست که قبل از قیام مسلحانه توکلی می گفت که اوساستمداران میانه رو را برای اجرای هدف های فوق تضمین می کند در ارتش فرماندهان درجه یک سابق بازنشسته شده و سیاستمداران میانه رو گروه افسران نزدیک توکلی را هسته تشکیل دهنده ارتش ملی بسرمد می - قبولانند چرا که این ارتش دیگر فاقد ایده ثلویزی نخواهد شد. ایده ثلویزی افسران محافظه کار

خانواده بختیار از محل اقامت وی بی اطلاعند

تهران خبرگزاری پارس طبق گزارش یونایتد پرس پاریس امروز خانم کی بختیار همسر پسر شاهپور بختیار تهران وزیر پیشین ایران اظهار داشت وی در فرانسه نیست و خانواده از محل اقامت وی اطلاعی ندارند.